

هشدار!

((...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد

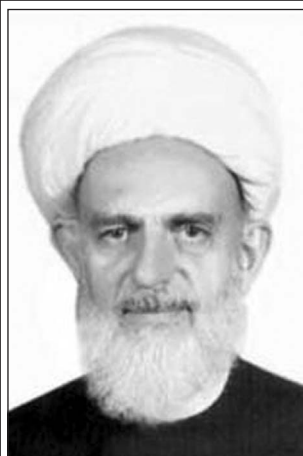
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...))

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



الباقیات الصالحات

نویسنده: آیت الله حاج شیخ یحیی عابدی

صفحه ۲

"ریگی" بازپچه غرب؛

از رفاقت با العربیه تا ارتباط مستقیم با کاخ سفید

صفحه ۱۲

امام جمعه سمنگان:

شیعه و سنی از دستگیری ریگی مفتخرند

صفحه ۱۲

کارنامه سیاه دولت مصر

صفحه ۴

ضرورت های همگرایی جهان اسلام

صفحه ۵

پس از ۵۱ سال و برای نخستین بار؛

دیدگاه های آیت الله بروجردی در باره ولایت

فقیه منتشر شد

صفحه ۱۰



"مروری بر کارنامه علمی و عملی شهید آیت الله قاضی طباطبائی" در گفت و شنود شاهد یاران با حجت الاسلام و المسلمین سید هادی خسروشاهی؛

پس از انقلاب طرفدار عفو و رأفت بود

صفحه ۶

آیت الله تسخیری:

ایده های مطرح شده در کنفرانس وحدت اسلامی باید تبیین شوند

مطرح می کنیم تا بدانیم چگونه می توان حالت طبیعی بین مذاهب اسلامی را در تمام جهان اسلام توسعه داد.

نایب رئیس اتحادیه بین المللی علمای مسلمان تأکید کرد: افرادی که بیانیه نهایی این همایش را صادر می کنند باید به امضاء و مصوبات خود متعهد بمانند و نور این کنفرانس را به اطراف جهان برسانند.

درس می داد و محبتی میان علمای مذاهب اسلامی وجود داشت. وی در ادامه با ابراز تأسف از وضعیت به وجود آمده گفت: متأسفانه در نتیجه عوامل بسیاری این حالت تنوع مذهبی به حالت اختلاف تبدیل شد و به مسئله تکفیر و امثال آن پدید آمد. در این کنفرانس عوامل این تحول خطرناک را بررسی کرده و راه های غلبه بر آن را

اسلامی: از تنوع مذهبی تا فرقه گرایی" بررسی کرده و انحرافی که تعامل فی مابین مذاهب دچار آن شده را بررسی می کند، پیشتر مذاهب اسلامی در چارچوب تنوع مذهبی به سر می بردند علمای مذاهب از یکدیگر با خبر بودند و گاهی یک عالم شیعه کتاب یک عالم سنی را شرح می داد و گاهی به عکس یک عالم سنی کتاب یک عالم شیعه را

از مؤثرترین ابزار گسترش تقریب و وحدت همین کنفرانس وحدت اسلامی بوده است، علاوه بر اینها وقتی با متفکران و همتایان خود در ایران دیدار کرده و از دستاوردهای انقلاب در این زمینه مطلع می شوند، تلاش می کنند با انتقال این ایده ها تفکر و اندیشه توده ها را به سمت انقلاب اسلامی جلب کنند.

وی در رابطه با نتایج کنفرانس وحدت اسلامی نیز گفت: گسترش ایده تقریب، گسترش اهتمام به مشکلات امت اسلامی و شناخت راه حل ها و بسیج توده ها در قبال چالشهای فراوری امت از جمله نتایج مطلوب در ۲۳ کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی بوده که تا کنون برگزار شده است، این کنفرانس تا حد زیادی توانسته است اهداف خود را تحقق بخشد.

تحلیل همایش راهکاری برای تأثیرگذاری بیشتر است

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی برای تأثیرگذاری بیشتر این کنفرانس باید بیشتر به موضوعات مربوط به امت اسلامی بپردازیم و آنها را تحلیل کرده در این رابطه باید از شخصیت های بیشتری برای برگزاری این کنفرانس دعوت کنیم.

آیت الله تسخیری گفت: همایش امسال موضوع حساسی را با عنوان امت

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با تأکید بر اینکه برای تأثیرگذاری بیشتر کنفرانسهای وحدت اسلامی باید موضوعات مسلمانان در آنها مورد تحلیل قرار گیرند گفت: امضاءکنندگان بیانیه های پایانی باید مبلغ و تبیین کننده ایده های مطرح شده در کشور متبوع خود باشند.

آیت الله محمد علی تسخیری دبیرکل مجمع تقریب مذاهب اسلامی نایب رئیس اتحادیه بین المللی علمای مسلمان در آستانه هفته وحدت و برگزاری کنفرانس وحدت اسلامی، در رابطه با دستاوردهای بیست و دو کنفرانس برگزار شده گفت: کنفرانس وحدت یکی از برنامه های کلی و جامع مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی است و به طور طبیعی در کنار دیگر برنامه ها در رابطه با گسترش ایده تقریب و وحدت متجلی می شود.

شرکت کنندگان کنفرانسها مبلغان ایده های مطرح شده هستند

وی افزود: همه افرادی که در اجلاسها شرکت کرده اند، مبلغ این ایده ها در کشورهای خود بوده اند و در حقیقت راه حل هایی که در این کنفرانسها مطرح شده و تفکرات و اندیشه های ارائه شده را به کشورهای خود منتقل کرده اند. آیت الله تسخیری یادآور شد: یکی

عذر تقصیر به پیشگاه محمد(ص) و قرآن

این مجموعه شامل سه کتاب درباره اتهامات غرب بر ضد قرآن و پیامبر اکرم(ص) و توطئه های خاورشناسان علیه اسلام و مسلمین و علل پیشرفت سریع اسلام می باشد نخستین بخش این مجموعه عذر تقصیر به پیشگاه حضرت محمد(ص) و قرآن می باشد که اصل این کتاب در سال ۱۳۳۸ به چاپ رسیده است لیکن با توجه به اوضاع و احوال کنونی که توطئه جدید نشر اکاذیب و اتهامات علیه قرآن و اسلام و پیامبر(ص) اوج گرفته ضرورت دارد کتبی این چنین که به قلم متفکر حق شناس غربی به رشته تحریر درآمده در دسترس اهل ایمان و فرهنگ قرار گیرد تا واقعیت های دنیای اسلام از زبان غریبان منصف و خداجوی به مخاطبین عرضه گردد در این مجموعه که با عنوان عذر تقصیر به پیشگاه محمد(ص) و قرآن منتشر شده دو ضمیمه مفید نیز با عناوینی چون «توطئه خاورشناسان» از مارگرت مارکوس و «پیشرفت سریع اسلام» از دکتر واگلیری در کنار آن قرار گرفته است که با توجه به توطئه های جدیدی که علیه اسلام در سطح اروپا و آمریکا به پیش کشیده می شود از ویژگی های زمان حال نیز برخوردار باشد.

این کتاب به کوشش و با مقدمه استاد سید هادی خسروشاهی به عنوان نخستین جلد از مجموعه آثار ۱۲ جلدی مرحوم سید غلامرضا سعیدی تقدیم علاقمندان می گردد.

قیم - ابتدای خیابان صفائیه - کلبه شروق - تلفن: ۷۷۳۶۴۲۶
مراکز فروش: تهران - خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه تهران - تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴



مولف:

جان دیون پورت

مترجم:

سید غلامرضا سعیدی

به کوشش:

سید هادی خسروشاهی

وزیری، چاپ اول،

۳۷۵ صفحه، ۳۲۰۰۰ ریال

نظرها و اندیشه‌ها

۲- نیمه اول اسفند ماه - شماره ۲۲

الباقیات الصالحات

آیت‌الله حاج شیخ یحیی عابدی

وجود آورند تا از عایدی آنها اولاً خود موقوفات از خطر خرابی و نابودی محفوظ و مصون بماند ثانیاً در تأمین رفاه و رفع نیاز افراد اجتماع استفاده شود. آنچه که گفته شد اشارتی بود به تاریخ پیدایش وقف به هر دو معنی در جوامع بشری که البته اختصاص به دین خاصی ندارد بلکه همانگونه که بیان شد وقف نشأت گرفته از فطرت و غریزه انسانها است و هدایت مبلّغان الهی جنبه ارشادی دارد نه مولوی.

"تاریخچه پیدایش وقف در اسلام"

در جوامع حدیثی روایتی که دلالت بر انجام وقف در سیزده سال نخستین دوران رسالت حضرت رسول اکرم صلی‌الله علیه وآله و سلم داشته باشد دیده نمی‌شود. قرائن و امارات نیز شاهد براین است که در آن دوران از طرف آن حضرت وقفی صورت نگرفته است. و با اینکه حضرت خدیجه صلوات‌الله و سلامه علیها بانوی ثروتمندی بود ولی تمام ثروت خود را در اختیار رسول‌الله قرار داد و همگی در مسیر ترویج دین مقدس اسلام مصرف شد و هیچگونه وقفی به معنی (تحبیس الاصل و تسبیل المنفعة) انجام نگرفت. از جریان شعب ابی طالب که هم مدتی پناهگاه یا بهتر بگویم تبعیدگاه حضرت رسول و یارانش بود و هم مرقد ابوطالب و خدیجه و بعضی از فرزندان پیغمبر و اجداد آن حضرت است کماً و کیفأ اطلاع کامل و صحیحی در دست نیست که آیا وقف بوده و عوایدی داشته یا ملک شخصی ابوطالب بوده است؟ اخیراً یکی از مورخین محقق و معاصر اظهار و بلکه اثبات کرده، اصولاً شعب محل فعلی نیست. بلکه در مجاورت مروه قرار داشته و شامل شارع ابی سفیان می‌شده است. العهده علیه.

"موقوفات حضرت رسول اکرم در مدینه"

ظاهراً اولین وقفی که در اسلام صورت گرفته حوائط سبعة‌ای است که به شخصی به نام مُخیرِیقْ تعلق داشته، نامبرده که از یهودیان بنی‌النضیر بود به دین مقدس اسلام مشرف شد و در غزوۀ احد در رکاب پیغمبر اکرم به فیض شهادت رسید، وی املاک خود را به حضرت رسول تقدیم کرده بود و آن حضرت آنها را وقف فرمود به قسمی که در حال حیات خود از عایدی آنها صرف خود و مهمانها می‌کرد و بعد از مدتی به صورت وقف بر اولاد در اختیار حضرت زهرا قرار داده است. اسامی حوائط بدین قرار است:

مِثَب، صافیه، حُسَنی، بُرقّة، العواف، الکلاء و مشربة ام ابراهیم.۴

به نقل کلینی و سایر محدثین بزرگوار حضرت صدیقهٔ طاهره صلوات‌الله و سلامه علیها در ضمن وصایای خود نسبت به حوائط سبعة مذکوره وصایایی فرموده و حسنین علیهما الصلاة والسلام را به ترتیب متولی قرار داده است.

شیخ مفید (۴۱۳-۳۳۶) ضمن ذکر ماجرای غزوۀ بنی‌النضیر چنین فرموده است:

«واصفی رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله و سلّم اموال بنی‌النضیر، و کانت اول صافیه قسَمَها رسول‌الله بین المهاجرین الاولین، و امر علیاً علیه الصلاة والسلام فحاز مالرسول‌الله منها فجعله صدقة، و کان فی‌یده مدّة حیاته، ثمّ فی‌ید امیرالمؤمنین بعده، وهو فی‌ید ولد فاطمة حتّی الیوم»۵

بطوری که از گفتار شیخ استفاده می‌شود آنچه را که رسول‌الله از اموال یهود بنی‌النضیر حیزات فرمود بصورت وقف اولاد در اختیار دخترش قرار داده. و طبق تصریح شیخ در قرن چهارم در اختیار بنی فاطمه بوده است.

وقف به معنای اسم مصدری (یعنی موقوفه) دو قسم است: یکی موقوفاتی که به منظور استفادهٔ دیگران وقف شده بدون اینکه عایداتی داشته باشد. دوّم موقوفاتی که دارای عواید هستند و از عواید آنها طبق نظر واقف استفاده می‌شود.

می‌توان گفت که قدمت پیدایش قسم اوّل هم زمان با پیدایش زندگی اجتماعی در جهان بشریّت است. انسان‌های نخستین با زندگی بسیطی که داشته‌اند برای تأمین نیازهای خود از امکانات طبیعی استفاده می‌کرده‌اند. مثلاً با کمک گرفتن از شاخ و برگ و چوب و الوار درختان مسکن‌های ساده‌ای می‌ساخته‌اند. یا برای ذخیرهٔ آب گودال‌هایی به وجود می‌آورده‌اند، یا نهرهایی از رودخانه‌های بزرگ به سوی محل زندگی خود احداث می‌کرده‌اند تا نعمت آب در دست‌شان قرار گیرد و خود و حیوانات و اشجار و مزرعه‌ها از آن نعمت استفاده کنند «وجعلنا من الماء کلّ شی‌ حی»۶ و همچنین برای عبادت که ذاتی بشر است صومعه‌هایی در غارها و شکاف کوه‌ها با اندک تصرفاتی که در آنها می‌داده‌اند به وجود می‌آورده‌اند.

یقیناً در همان جوامع بسیط افرادی با هدایت غریزی و فطری و با افکار روشنی که خالق جهان به آنان عنایت کرده بود وجود داشته‌اند که مایل بوده‌اند از نتایج دسترنج آنان دیگران نیز استفاده کنند. مخصوصاً اینکه انسانها ذاتاً به بقاء خود علاقه دارند و چون در مقابل مرگ چاره‌ای جز تسلیم نیست بقاء چنین آثار و استفاده دیگران و نسل‌های آینده از آنان موجب بقاء نام بانیان می‌شده است. این پایه‌های پیدایش وقف به معنی اول شده است. بدیهی است در این زمینه دستور ادیان الهی نیز جنبۀ ارشادی دارد «فطرۀ‌الله الّتی فطراناس علیها»۲.

کم‌کم با گسترش زندگی اجتماعی و پیدایش تمدن در جوامع بشری نیازهایی به وجودآمد که رفع آنها برای تک‌تک افراد مقدور نبود مانند: حمام، آب‌انبار، جاده، پل، قنات، مدارس، معابد، کتابخانه‌ها، استراحتگاه مسافران، آسایشگاه بیماران و نظائر آن. در این موقع هدایت شرعی به کمک هدایت غریزی و فطری آمد. انبیاء عظام علاوه بر اینکه احياناً خود به تاسیس مؤسّسات عام‌المنفعه مبادرت می‌ورزیدند افراد اجتماع مخصوصاً متمکنین را تشویق و ترغیب می‌فرمودند تا به فکر آسایش دیگران باشند و باقیات صالحاتی از خود به یادگار بگذارند ۳.املا

"وقف یا موقوفه قسم دوم"

گسترش بیشتر تمدن و هم‌زمان پیدایش نیازهای بیشتر و جدیدتر در جوامع بشری موجب پیدایش طرحی دیگر شد و آن اینکه اولاً بقاء موقوفات قسم اوّل خود مستلزم هزینه است، ثانیاً نیازهایی پیش می‌آید که تأمین آنها جز با نقدینه (به صورت‌های گوناگونی که رواج داشته) امکان‌پذیر نیست. بدیهی است دوام و بقاء، جاده، پل، قنات، آب‌انبار، مدارس، معابد و و و مستلزم هزینه مستمری است که اگر نباشد اصل موقوفه از بین می‌رود. کما اینکه تأمین معیشت طلاب و دانشجویان و اساتید و معالجه بیماران و رفاه مسافران و و و هزینه‌بردار است. و صرف وجود مدرسه و بیمارستان و کاروانسرا مشکل را حل نمی‌کند.

در این مرحله اندیشمندان توانمند اجتماع به فکر افتادند که به اصطلاح موقوفات زاینده به

ناگفته نماند که در لسان روایات گاهی از وقف به صدقه تعبیر شده است.

"موقوفات و صدقات حضرت امیرالمؤمنین علیه‌الصلاة والسلام"

دوران زندگانی بیست و پنج ساله مولای متقیان که از خلافت ظاهری برکنار بود به آن حضرت مجالی داد که احياناً ساعاتی از زندگانی روزمرۀ خود را به احیاء و اراضی موات و غرس اشجار و نخلستانها و حفر آبار و چاهها بپردازد. مولی از این تلاش و کوشش دو هدف داشت یکی اینکه دیگران را به فعالیت و کوشش ترغیب و تشویق کند که مبدا گمان برند دین اسلام دین انزوا و عزلت است. هدف دیگرش کسب درآمد بود که با تحصیل مال و ثروت بتواند موقوفات و صدقات جاریه تاسیس کند. والحق در این مورد نیز مانند موارد دیگر مقام اول نصیبش شد.

محدثین نقل کرده‌اند که آن حضرت بالغ بر صدهزار اصله درخت خرما غرس کرد و همه را وقف نمود. و اموال زیادی در خیبر و وادی القری وقف کرد. در بیابان‌های ینیع یکصد چشمه حفر نمود و همه را به نفع حجاج بیت‌الله الحرام و سایر مسافران وقف فرمود. و چاه‌هایی در اطراف مدینه و تنعیم و شهر مدینه و اطراف أحد و جامع بصره و عبّادان و بعضی جاهای دیگر حفر و وقف کرد.۶

به نقل ثقة‌الاسلام کلینی حضرت رسول اکرم از غنائم جنگی زمینی را به عنوان سهمیهٔ مولای متقیان در اختیار او گذاشت. مولی به احیاء آن مشغول شد. ضمن حفر چاه در یک منطقه آب به شدت فوران کرد که به همین مناسبت اسم آن منطقه را ینیع گذاشت و فرمود: «هی صدقةٔ بتلةٔ بتلاً فی حجّیج بیت‌الله و عابری سبیل‌الله لاتباع ولاتوهب ولاتورث، فمن باعها او وهبها فعليه لعنة‌الله والملائکته و الناس اجمعین لایقبل‌الله منه صرفاً ولا عدلاً»۷

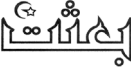
سید بن طاوس از آن حضرت نقل می‌کند که فرمود: من با صدیقه طاهره ازدواج کردم در حالی که یک زیرانداز نداشتم و اینک صدقات و موقوفات من در حدی است که اگر بین خاندان بنی‌هاشم تقسیم شود همه را مستغنی می‌کند! که این گفتار هم میزان فعالیت و اهتمام آن حضرت را به امر کشاورزی و عمران و آبادی می‌رساند و هم میزان موقوفاتش را.

و نیز سید فرموده: «وقف امواله و کانت غلّته اربعین الف دینار».

در زمان ائمه دیگر چنین موقعیتی پیش نیامد. طاغیان و یاغیان بنی‌امیه و بنی‌عباس مجال ندادند که آن حضرات عملاً به عمران و آبادی وسیع و گسترده مشغول شوند. ولی در حفظ موقوفات و صدقات حضرت رسول و حضرت زهرا و حضرت امیرالمؤمنین صلوات‌الله و سلامه علیهم اجمعین و صرف عایدی آنها در موارد معینه کوشا بودند. کما اینکه از وصایای حضرت صادق و حضرت موسی بن جعفر علیهما الصلاة والسلام استفاده می‌شود.۸.

این نوشتار مشتمل بر دو بخش است: و اینک بخش نخستین:

انسان‌ها بیشترین معلومات خود را از راه چشم و گوش دریافت می‌کنند. اگرچه حس لامسه و ذائقه و شامه نیز معلوماتی را به انسان می‌دهند، ولی در مقابل معلوماتی که از طریق حس باصره و سامعه وارد مغز انسان می‌شود، بسیار اندک هستند. مطالعه آیات شریفه قرآن در ماده سمع و بصر بهترین شاهد این مدعاست. در بین دو حس مذکور معلومات بصری از لحاظ کمیت



خیلی بیشتر از معلومات سمعی است. طلاب و دانشجویان علما و دانشمندان و سایر افراد اجتماع از هر طبقه و صنف معلوماتی را که از طریق دیدن کسب می‌کنند قابل مقایسه با معلومات سمعی نیست (دقت شود که کمیت منظور است).

وضع زندگی این طلبۀ ناچیز به شهادت دوستان بسیار عزیز انگشت شمار طوری است که با کتاب و مطالعه سروکار دارد و از حضور در مجامع و مجالس و شنیدن گفتار متکلمان تقریباً محروم است. عشق من مطالعه است. در زیرزمینی که زندگی می‌کنم، رابطه‌ام با عالم خارج فقط روزنامه اطلاعات است. که آن هم با اینکه قیمتش دو برابر شده به دست آوردنش مشکل گردیده و من که باید نیازهای خود را شخصاً تأمین کنم، به چند باجۀ روزنامه‌فروشی مراجعه می‌کنم تا احياناً توفیق وصالش را به‌دست آورم، گاهی هم دست از پا درازتر به پشت میز مطالعه برمی‌گردم و شعر زیبای حافظ را مترنّم می‌شوم: گرچه وصالش نه بکوشش دهند/ هر قدر ای دل که توانی بکوش هیچ دخلی وار؟! از مطلب دور نیفتم که افتادم!

همه ساله از روز ۲۱ ماه صفر هفتهٔ وقف آغاز می‌شود. حقیر بر خلاف روش همیشگی در هفته‌ای که گذشت، پاسی از وقتم را صرف تماشای "جعبه جادو" کردم تا شاید گفتار مفیدی راجع به وقف بشنوم و بر معلوماتم بیفزایم که آدمی فربه شود از راه گوش" متأسفانه از هیچ گوینده‌ای حتی خطبا و وعاظ ارجمند گفتاری راجع به وقف نشنیدم. و صفحات جریدهٔ شریفه اطلاعات را تورق کردم و به مقاله‌ای در این زمینه بر نخوردم. فقط از طرف سازمان محترم اوقاف و امور خیریه در صفحه اول روزنامه مزبور "۲۱ بهمن" تبلیغی راجع به وقف شده بود که متضمّن جمله نورانی از حضرت امام راحل قدّس سره الشریف بود و جا داشت نویسندگان آن جمله را سرلوحه مقالات خود قرار دهند که متأسفانه ندیدم. البته جمله‌های نورانی آن حضرت و همچنین مقام معظم رهبری در صفحات تقویم قدس می‌درخشند.

اهمیت وقف اقتضا می‌کند که سازمان مزبور نشریهٔ هفتگی و لااقل ماهانه به نام "وقف" منتشر کند و از نویسندگان دانشمند درخواست نماید که با ارسال مقالات سودمند با نشریه مذکور همکاری فرمایند. و همین توقع از بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی هست؛ چه، آنکه جلالت و عظمت خیره‌کننده، آن آستان مقدس در درجه اول مروهون موقوفه‌های کلان واقفان و بعد مدیریت صحیح خدمتگزاران فعلی است.

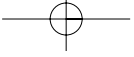
"رحم‌الله الماضین و وثّق الباقین"

به عنوان تیمن و تبرک به حدیث شریفی که محدّث بزرگوار صدوق رضوان‌الله تعالی علیه نقل فرموده توجه کنید قال ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه الصلاة والسلام: الیس یتبع الرجل بعد موته من الاجر الا ثلاث خصال: صدقة اجراها فی حیاته فهي تجری بعد موته الی یوم‌القیامة - صدقة موقوفة لا تورث:۹

پاداش هیچ کرداری پس از مرگ به انسان نرسد مگر سه کردار: صدقه‌ای که به گاه زندگی جاری ساخته است و آن پس از مرگش تا روز رستاخیز جریان دارد - صدقه‌ای که وقفش نموده است و به ارث برده نمی‌شود.

بیان دو خصلت دیگر را به مجال دیگری وامی‌گذارم.

ای توانگران، ای توانگران، ای توانگران انصاف دهید که آیا ثروت خدادادی را مسرفانه



ایمان

و مترفانه صرف کردن و قسمت عمده‌اش را برای وراثی که اغلب آنان مورثان را یاد نمی‌کنند باقی گذاشتن، بهتر است یا به آن وجههٔ الهی دادن که هرگز فانی نشود و باقی بقاءالله باشد؟ و یقی وجه ربّک ذوالجلال والاکرام۱۰ و نیز برای اینکه همگی متذکر آینده بسیار نزدیک خود باشیم، به چند فقره از دعای شریف ابوحمزهٔ ثمالی توجه فرمایند.

وَارْحَمْنِی صریعاً علی الفرائش تقلّبی ایدی اِحْتَبِی. و تفضّل علیّ مدّوداً علی المغتسل یقلّبی صالح جیرتی. و تحنّن علیّ محمولاً قد تناول الاقرباء اطراف جنازتی. و جذّ علیّ منقولاً قد نزلتْ بک وحیداً فی حفرتی. و ارحم فی ذالک البیت الجدید غربتی

بار خدایا، بر من رحم کن به هنگامی که از پا درآمده و در بستر مرگ افتاده‌ام و توان حرکت ندارم و این دوستانم هستند که مرا این پهلو و آن پهلو می‌کنند. بار خدایا فضل خودت را شامل حالم گردان به هنگامی که پیکرم بی حرکت در غسلخانه افتاده و نیکوکاران برای انجام غسل، مرا به این طرف و آن طرف می‌چرخانند. بار خدایا عطوفت و مهربانی‌ات را شامل حالم گردان به هنگامی که به طرف گور حرکت می‌دهند. بار خدایا، جود و احسانت را شامل حالم گردان به هنگامی که به طرف گور حرکت می‌دهند و تنها و تنها در چالهٔ قبر وارد می‌شوم. خدایا، در آن خانهٔ جدید بر غربتم ترحم فرما!

ای همه انسانها و مخصوصاً شما ای توانگران بدانید که به زودی شناسنامه‌ها باطل خواهد شد. و همان‌گونه که به هنگام تولد کسی و چیزی همراه ما نبود، هنگام مرگ نیز آن‌گونه خواهیم بود و همه به صورت تنها به سوی خدا بازگشت خواهیم کرد. و اموالی که خدا در دوران زندگی در اختیارمان قرار داده، رها خواهیم نمود. (برگرفته از آیه ۹۴سوره انعام)۱۱و در آن خانه ظلمت و وحدت و وحشت فقط ایمان و عمل صالح و صدقات جاریه است که سودمند می‌باشد. کسانی که در زندگی زودگذر این جهان از پرازشتیرین نعمت‌ها یعنی عمر عزیز که خدای سبحان به آنان عنایت فرموده و همچنین از اموالی که نصیبشان کرده استفاده نمایند، در عالم آخرت مشمول عنایات خاصه الهیه خواهند بود.۱۲

انفجارهای خونین در کربلای معلی ۴۱ شهید و ۱۵۰ زخمی برجای گذاشت.^{*}

این حادثهٔ جانگداز روز اربعین حسینی در خروجی شهر کربلا اتفاق افتاده بود. باز این طلبه کوچک که به مناسبت ایام در چند مجلس روضه‌خوانی شرکت کردم، به دقت گوش فرا داشتم که آیا آقایان وعاظ و روضه‌خوانان و مداحان راجع به این حادثه اشاراتی خواهند فرمود؟ من که نشنیدم. البتهٔ عدم الوجدان لاوّل علی عدم الوجود^{*} شرکت من در تعداد اندکی از مجالس بود و چه بسا در هزاران مجلسی که در پهنه کشور مولای متقیان و ام‌القرای اسلام در این ایام منعقد بود، انجام وظیفه کرده و داد سخن داده باشند. عرض من این است که به مقتضای اخوت اسلامی، ایران و عراق یک کشور است. مرزهای قراردادی محکوم دستورات قرآنی است. انما المؤمنین اخوة.۱۳والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض.۱۴

سالی یک بار و گاهی دو بار توفیق تشرّف به اعتاب مقدّسه نصیب می‌شود ذلک فضل الله یؤیّته من یشاء۱۵ در این تشرفات من به میان مردم عزیز و با محبت می‌روم. مردمی که با شنیدن نام مشهد و رضا اشک می‌ریزند. می‌توان گفت آرزوی تشرّف آنان به مشهد مقدس بیش از آرزوی تشرّف ایرانیان به عتبات عالیات است. این حرص و ولع را در مردم آحساء و قطیف هم دیده‌ام و حتی نظاره‌گر اشک ریختن آنان بوده‌ام. زندگی ناهنجار برادران و خواهران عزیز عراقی را که در شهرهای دور از مزارات شریفه زندگی بسیار بسیار ساده و زیر خط فقر دارند، می‌بینم و بعد به خود می‌گویم آیا با چنین وضعی هزینه‌های میلیاردی برای توسعه یا زیباسازی حرّمها و صحنها سزاوار است و مورد رضایت حضرات معصومین صلوات الله علیهم اجمعین می‌باشد؟ البته بارگاه و حرم شریف عسکرین علیهماالسلام که به دست کافران و منافقان کوردل منفجر و تخریب گردید، حساب جدائی دارد و باید هرچه زودتر بهتر از حالت اولیه نوسازی شود که الحمدلله با کمال جدیّت مشغولند؛ ولی در همان اطراف سامراء مسلمانان تقریباً در محرومیت کامل به‌سر می‌برند. از آب سالم و امکانات بهداشتی محرومند. نمونه زندگی

نظرها و اندیشه‌ها

آنان را اغلب مردم به مناسبت اربعین از تلویزیون مشاهده کردند که عشاق‌الحسین با تحمل چه رنج‌ها خود را به کربلا می‌رسانند.

و عجباً که این انفجارها نه تنها شور و شوق را کم نمی‌کند، بلکه موجب افزایش اشتیاق می‌شود. آشک کباب باعث طغیان آتش است اجازه فرمائید در این بخش هم توانگران عزیز مخاطب باشند.

ای توانگران ای توانگران ای توانگران!

خدا را به خود آئید و گوهر نفیس انسانیت را با زخارف دنیا معاوضه نکنید که سخت گرفتار خسران می‌شوید. بکوشید با خیرات و مبرّات در باطن وجود اهل دل مسکن گزینید و دعای خیرشان را برای تأمین سعادت دنیا و آخرت به سوی خود جلب کنید. حتی با ارشاد روحانیون آگاه و مسئولان خیرخواه در نیل به این هدف مقدس از وقف استفاده کنید. مبادا وسوس شیطانی شمارا از فقر و نداری بترساند یا العیاذ بالله گرفتار فحشاء کند، آنگاه مغفرت و فضل الهی را به رابگان از دست بدهید.۱۶

ای توانگران، حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است: أَلْناس کاسنان المشط سوا۱۷ مردم همانند دندان‌های شانه مساوی هستند. به گفته آن حضرت احترام بگذارید بین خود و افراد تهیدست فرقی قائل نشوید. خود را در مصائب آنان شریک بدانید. و نیز در روایت دیگری فرموده است: مَنْ اصْبَحَ لایهْتَمُّ بأمور المسلمین فلیس بمسلم. و من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین فلم یجبه، فلیس بمسلم۱۸ هرکس سر از خواب نوشین شبانه بردارد و به رفع گرفتاری‌های مسلمین اهتمام نورزد، مسلمان نیست. و هرکس فریاد استغاثهٔ مسلمانی را بشنود و به او پاسخ مناسب ندهد، مسلمان نیست (قابل توجه نسبت به مسلمانان غزهٔ و فلسطین و جنوب لبنان و سایر بلاد اسلامی که تحت سلطهٔ اجانب مخصوصاً صهیونیست‌ها هستند) با گفتار شیرین شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی همه آشنا هستیم.

بنی آدم اعضای یکدیگرند۱۹

که در آفرینش زیک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

نامه‌ای از دکتر محمد رزمجو

در همه مسجدها و شبستان‌ها می‌دیدم! جملات اذان گفته می‌شد و در میان خون شفق و سیاهی شب راه می‌گشود. تاریکی مغموم مغرب تیره کجا و نخستین شب نبودن نواب از راه می‌رسید. به گلدسته‌ها نگاه می‌کردم و بهٔ آسمان می‌انديشیدم که این فریاد فدایی بزرگ اسلام است که از حنجره مؤذنان بیرون می‌آید. آری این اوست که نام‌خدا را به بزرگی یاد می‌کند! نام خدای همواره از فداکاران باقی مانده است. و این نواب است که از همه گلدسته‌های عالم اذان می‌گوید! در همه مغرب‌ها و در همه ظهرها و در همه فجرها، این فریاد خونبار نواب است: الله اکبر، لاله الا الله^{*}.

مطالعه مقاله مذکور، این حقیر را که مدت آشنایی و دوستی مخلصانه ام با نویسنده توانای این نوشته زیبا از پنجاه سال می‌گذرد، چنانکه دوران جوانیم را در خدمتشان بوده ام و در تألیف کتاب ارزندهٔ حساسترین فراز تاریخ^{*} یا داستان غدیر از دستیارانشان بوده ام، ضمن آنکه یادآور خاطراتی از دورانی گردید که استاد حکیمی در مشهد اقامت داشتند و دوستان از محضر ایشان کسب فیض می‌کردند چنان تأثیر ژرفی را بر روانم گذارد که پس از مطالعه آن -ضمن تقدیر از محتوا از جنبه‌های انسانی و اخلاقی که در این چکامه بیان شده است - بی‌درنگ احساس خویش را درباره آرمان‌های والای شهید نواب صفوی، در چند رباعی پیوسته به سبک

نیمه اول اسفند ماه ــ شماره ۲۲ ــ ۳

تو کز محنت دیگران بی‌غمی

نشاید که نامت نهند آدمی

در پایان دو نکته را متذکرمی‌شوم:

۱- مطرح کردن حسّ باصره و سامعه در ابتداء از آن جهت بود که آرزو داشتم در این ایام گفتاری راجع به وقف و شهادت عشاق‌الحسین بشنوم یا نوشتاری مشاهده کنم که متاسفانه هر دو حسّ محروم ماند. باقی عمر ایستاده‌ام به غرامت.

۲- اگر دقت شود، هر دو قسمت نوشتار کاملاً به هم مرتبط هستند.

والسلام

پی‌نوشت‌ها:

۱) سورة انبیاء: ۳۰۰

۲) سورة روم: ۳۰۰

۳) سورة کهف: ۴۶۰

۴) یحارالانوار ج ۴۳ ص. ۲۳۵

۵) یحارالانوار ج ۲۰ ص. ۱۷۳۰

۶) یحارالانوار ج ۴۱ ص. ۳۳۰-۳۲

۷) کافی ج ۷ ص. ۵۵۰

۸) کافی ج ۷ ص. ۵۳۰

۹) خصال، ج ۱، ص ۲۲۰

۱۰) سورة الرحمن، آیه ۲۷۰

۱۱) و لقد جتئمنوا فرادی کما خلقناکم اول مرّة و ترکتم ما خوّلناکم وراء ظهورکم.

۱۲) یا ایّها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجارۃ تنجیکم من عذاب الیم× تؤمنون بالله و الیوم الآخر و تجاهدون فی سبیل الله باموالکم و انفسکم ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون × یغفرلکم ذنوبکم و یدخلکم جنات تجری من تحتهاالنهار و مسکن طیّبه فی جنّات عدن ذلک الفوز العظیم (سورة صف، آیات ۱۱۰،۱۲ و ۱۳) سورة حجرات، آیه ۱۰ ۱۴) سورة توبه آیه ۷۱ ۱۵) سورة مائده، آیه۵۴ ۱۶) الشیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء والله یعدکم مغفرة منه و فضلاً والله واسع علیم (سوره بقره، آیه ۲۶۸)

۱۷) من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص. ۳۷۹۰

۱۸) کافی، ج ۲، ص ۱۶۴

۱۹) یک پیکرند.

گردید محقق و چو ماهی تابان

- در بهمنِ سال هفت و پنجاه و سه

افزون هزار گرگنی ش به عدد (۱)

خورشیدِ عدالت از افق طالع گشت

با یاری کردگارِ دانای صَمد

- قصرِ ستم ستمگران ویران شد

ظالم، به زُپاله دان تاریخ، آن شد:

کامروز به جز لعن از او یادی نیست^{*}

چون ز آتش خشمِ ملّتی بریان شد!

- رُوحِ شَهدای راه حق جاویدان

باشد، به سرای آخرت، چون یزدان

با فضلِ کریمانه خود روزیشان:

می‌بخشد و باشند همیشه شادان (۲)

یارب تو به روحِ پرفتوح نواب:

آن مرتبتی عطا بکن تا ابواب:

از رحمتِ پیامبران ابواب باز شود

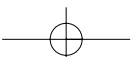
گردد ز زلال بحر چون سیراب

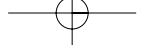
پی‌نوشت‌ها

۱- سال هزارو سیصد و پنجاه و هفت شمسی

۲- تلمیحی ست به مضمون آیات ۱۶۹ و ۱۷۰

سوره مبارکه آل عمران / ۳، که خداوند درباره مقام والا و ابدی شَهدای راه حق فرموده است: وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ الله أَمْواتاً بَلْ أَ حْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُوزِقُونَ. فَرَحِینَ بِمَا آتَاهُمُ الله من فضله..^{*}





کارنامه سیاه دولت مصر

۸- توافق بر سر خالی از سلاح باقی ماندن اراضی مثلث العوجا در جنوب نوارغزه در توافق آتش بس دائمی. هنگامی که اسراییل^۲ در سال ۱۹۵۵ این منطقه را اشغال کرد، مصر هیچ گونه اقدامی نکرد و هنوز هم خواستار بازگرداندن آن نشده است.

۹- عقب نشینی از نوارغزه در طول تجاوز سه جانبه و رها کردن این منطقه در بدترین شرایط و ممانعت از آموزش و مسلح شدن فرزندان این منطقه و ممانعت از مقاومت و مبارزه به گونه ای که هیچ گونه پناهگاه و مراکز آموزشی را ایجاد نکرد و موجبات پایداری آنان را فراهم نیاورد.

۱۰- متعهد شدن به جلوگیری از مقاومت و عملیات شهادت طلبانه در نوارغزه بعد از پایان یافتن تجاوز سه جانبه و عقب نشینی اسراییل^۲. مصر به دنبال از سرگیری عملیات فدایی در سال ۱۹۶۵ تا سال ۱۹۶۷ مبارزان را تحت تعقیب نیز قرار داد و به آزار و اذیت آنان پرداخت.

۱۱- زمانی که مصر عهده دار اداره نوارغزه بود، اسراییل^۲ این منطقه را به اشغال خود درآورد و مصر از این منطقه محافظت نکرد و حاکمیت و اداره این منطقه را در اختیار ساکنان آن نیز قرار نداد.

۱۲- مصر قطع نامه شماره ۲۴۲ شورای امنیت را به رسمیت شناخت که در این قطع نامه مرزها و استقلال و سیطره اسراییل^۲ بر سرزمین های اشغالی سال ۱۹۴۸ به رسمیت شناخته شده بود و در این قطع نامه همچنین تصریح شده بود که تنها راه بازگرداندن سرزمین های اشغالی سال ۱۹۶۷ نیز مذاکره می باشد. هنگامی از نماینده دولت مصر در مورد پذیرش این قطع نامه و این که این امر به معنی به رسمیت شناخت اسراییل^۲ است، سوال شد!! وی پاسخ داد: کشورهای عرب و مصر توافق آتش بس دائمی و پیمان لوزان را در سال ۱۹۴۹ بر مبنای خیالات و اوهام امضا نکرده اند بلکه با آگاهی و بر مبنای واقعیات آن را امضا کرده اند. وی در پاسخ خود به این نکته اشاره کرد که دولت قبالا نیز اسراییل^۲ را به رسمیت شناخته بود و اکنون حادثه جدیدی رخ نداده است.

۱۳- مصر پیوسته تلاش کرده است تا سازمان آزادی بخش فلسطین را وارد عرصه های صلح خیالی بکند و با آن درگیر سازد. مصر از این سازمان خواست تا به طور سمبلیک در جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳ مشارکت کند تا بتواند این سازمان را در طرح های سازش پس از آن نیز مشارکت دهد. با این حال با از این سازمان حمایت نکرد و در کنار آن نایستاد و از این سازمان دعوت به عمل نیاورد تا در کنفرانس صلح ژنو در اواخر سال ۱۹۷۳ شرکت کند.

۱۴- مصر پیمان صلح با اسراییل^۲ را به امضا رساند و حق حاکمیت این رژیم را بر سرزمین غصب شده فلسطین به رسمیت شناخت بدون این که تضمین هایی را در مورد حمایت از حقوق عرب ها در فلسطین دریافت کند و یا دست کم سرزمین های فلسطینی را که در سال ۱۹۶۷ از دست داده بود، پس بگیرد.

۱۵- مصر به رهبران سازمان آزادی بخش فلسطین در فوریه سال ۱۹۸۱ نصیحت کرد و آنان را مورد خطاب قرار داد که هرگاه به فکر سازش افتادید، ما به شما نصیحت می کنیم که به نزد یهودیان آمریکا که نماینده آنان استفان کوهین دبیر کمیته یهودیان آمریکاست، بروید و برای آنان فلسفه بافی نکنید بلکه با عقل و منطقه با آنان تعامل داشته باشید.

دکتر عصام عدوان

بعثت آنالین: ملت اصیل مصر ملتی بسیار بزرگ، با شکوه، با عزت و کرامت است و امت عربی و اسلامی در طول تاریخ به این ملت شریف افتخار کرده است و با کمک و یاری همین ملت بود که در گذشته فتوحات زیادی را فرزندان این امت در کارنامه خود ثبت کرده و مهاجمان را از سرزمین های خود به بیرون رانده اند. همین اندازه از کرامت و عزت و شجاعت کافی بود که استعمارگران را به فکر چاره جویی ببیندازد و آنان را وادارد تا به هر شیوه ممکن افراد وابسته و همپیمان خود را در این کشور به قدرت برسانند تا رهبری این ملت را در دست بگیرند و امت عربی و اسلامی را از توانمندی بالای این ملت در جهت به دست آوردن فتوحات و پیروزی و افتخارات بیشتر محروم کنند، ملتی که ما آن را از عمق وجود خویش دوست داریم و به آن افتخار می کنیم.

دشمنان امت به سرعت نظام مصر را از قضیه اصلی امت یعنی قضیه فلسطین جدا ساختند و به حاشیه راندند و درست در همین جا بود که برنامه های استعمارگران با دستان نظام مصر به اجرا در آمد که ما در زیر به برخی از آن ها اشاره می کنیم:
۱- جلوگیری از اعزام داوطلبان مصری برای مشارکت در دفاع از فلسطین در سال ۱۹۴۸ میلادی و جمع آوری سلاح مبارزان فلسطینی به بهانه این که ارتش مصر آمده است تا به جای آنان بجنگد و با وجود ارتش مصر دیگر نیازی به آنان نیست و دقیقاً همین امر موجب شد تا ارتش های عرب در این جنگ شکست بخورند و بی پشتوانه رها شوند و به ادعاهای ارتش نظام مصر دل خوش کنند؛ حال آن که ساکنان فلسطین بهتر با این سرزمین آشنا بودند و در صورت داشتن سلاح و تجهیزات و حمایت از آنان بهتر می توانستند با اشغالگران بجنگند و عملاً ارتش مصر کاری را به پیش نبرد و مبارزان را خلع سلاح کرد و آنان نیز در برابر صهیونیست دست خالی رها شدند و اگر خلع سلاح نمی شدند می توانستند به خوبی از خود دفاع کنند.

۲- ناکام گذاشتن تجربه حاکمیت فلسطینیان و بازداشت خانگی رهبر آن حاج امین الحسینی.

۳- امضای آتش بس دائمی و امضای پیمان لوزان در سال ۱۹۴۹ قبل از این که آوارگان فلسطینی به سرزمین هایشان بازگردند و آن ها را پس بگیرند.

۴- در اختیار صهیونیست ها قرار دادن بخش وسیعی از سرزمین های نوارغزه به صورت امنی طی پیمانی در سال ۱۹۵۰ میلادی.

۵- ممانعت از عملیات شهادت طلبانه و هر گونه مقاومت و مبارزه در نوارغزه از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۵ و نادیده گرفتن حق مقاومت ملتی که از سرزمینش رانده شده و بی خانمان گردیده است.

۶- پیشنهاد به انگلیس مبنی بر این که پایگاه هایش را در کانال سوئس تخلیه کند و به نوارغزه منتقل سازد و این امر طی مذاکراتی در سال ۱۹۵۱ میلادی صورت گرفت.

۷- هماهنگی با آژانس کمک رسانی بین المللی برای انتقال پنجاه هزار خانواده فلسطینی آواره از نوارغزه و اسکان آنان در شمال غرب سینا در جایی به دور از وطنشان به جای تلاش برای بازگرداندن آنان به سرزمین هایشان. چنین اقدامی در جهت اجابت خواسته های اسراییل^۲ به میانجی گری میانجی بین المللی رالف پانش آمریکایی صورت گرفت.

۱۶- مصر دستور داد تا استفان کوهین در آوریل سال ۱۹۸۲ با هواییمای نظامی از قاهره به بیروت برود و با رهبران سازمان آزادی بخش فلسطین دیدار و گفت و گو کند تا آنان را از جنگ خانمان سوز بر حذر دارد و به آنان پیشنهاد کند تا مانند پیمان ترک مخاصمه مصر با اسراییل^۲ در ژانویه سال ۱۹۷۴ پیمانی را با این رژیم منعقد کنند. این گام مصر به این خاطر بود تا این سازمان را وادارد، سلاح های خود را در لبنان تحویل دهد و به طرح سازشی بپیوندد که خود قبالا به آن پیوسته بود.

۱۷- مصر خود را به عنوان میانجی در طرح سازش معرفی کرد و هیچگاه از مواضع فلسطینیان حمایت و دفاع نکرد و خود مورد حمایت آمریکا قرار گرفت تا بتواند به ظاهر نقش میانجی را بازی کند و طرف فلسطینی را در مورد خواسته های صهیونیست ها به تسلیم وادارد و به آنان بقبولاند تا به طرح سازش پیوندند و آن را ادامه دهند و امتیازات بیشتری را به زیان حقوق قانونی ملت فلسطین بدهند.

۱۸- مصر با مسافران فلسطینی در اراضی خود و در گذرگاه رفح بدرفتاری و آنان را تحقیر می کند و مورد بازجویی قرار می دهد و در امور آنان مداخله و اعمال نظر می نماید و تلاش می کند تا آنان را جذب سازمان های اطلاعاتی خود کند و از طریق آنان در مورد فرزندان ملت فلسطین اطلاعات کسب نماید.

۱۹- مصر مسئولیت انعقاد بسیاری از توافقات میان تشکیلات فلسطینی و اسراییل^۲ را در قاهره و طابا و شرم الشیخ بر عهده داشته و میزبان کنفرانس مبارزه با تروریسم در شرم الشیخ بوده است تا شرکت کنندگان در این کنفرانس به مقابله و جنگ با مقاومت فلسطینیان بپردازند و منابع آن را بهشکاتند در حالی که مصر می بایست از مقاومت حمایت می کرد تا شاید از این طریق بتواند گناهان خود را درمورد از دست دادن نوارغزه بپوشاند و جبران کم کاری و کوتاهی های خود کند.

۲۰- مصر نتایج انتخابات مجلس قانونگذاری فلسطین را در سال ۲۰۰۶ نادیده گرفت و از همکاری با دولت منتخب خودداری کرد و آن را مورد تحقیر قرار داد و به توطئه بین المللی در جهت نابودی و سقوط این دولت پیوست و بعد نیز محاصره شدیدی را علیه ملت فلسطین در نوارغزه به اجرا درآورد در آن فعالانه مشارکت ورزید.

۲۱- در اواخر سال ۲۰۰۷ تلاش کرد تا از سفر حجاج نوارغزه از طریق گذرگاه رفح جلوگیری کند ولی در برابر برخی فشارها و اصرار خود حجاج تسلیم شد. با این حال هنگام بازگشت انتقام خود را از آنان گرفت و آنان را ادب کرد و از آنان خواست تا تعهد بدهند که هنگام بازگشت از طریق گذرگاه های اسراییلی وارد نوارغزه بشوند و شاید اگر حمایت الهی و صبر و استقامت و اتحاد آنان و حمایت امت اسلامی و ملت بزرگ مصر نبود مسئولان مصری موفق به تحمیل خواسته های خود بر آنان می شدند.

۲۲- مصر گذرگاه رفح را بر روی ملت فلسطین در غزه بست تا آنان وادار به پذیرش شروط کمیته چهارجانبه بین المللی کند، شروطی که با حقوق ملی فلسطینیان تعارض داشت و آن را پایمال می کرد و سپس در هر ماه صرفاً چند روز این گذرگاه را بازگذاشت تا بتواند ادعا کند که در این محاصره مشارکت نداشته است و مصر هرگز ساکنان غزه را از گرسنگی نخواهد کشت.

۲۳- مصر در اواخر سال ۲۰۰۸ با اسراییل^۲ در تجاوز به غزه همکاری و هماهنگی داشته است و درست در همین زمان بود که نیروهایش را از مرزهایش به صدها متر عقب تر برد و نیروهای فتح را در عریش مستقر کرد تا در فرصت مناسب وارد نوارغزه شوند و پس از شکست حماس کنترل منطقه را در دست بگیرند. این کشور بسیار تلاش کرد تا کنفرانس سران عرب برای بررسی اوضاع نوارغزه و تجاوز اشغالگران به منطقه برگزار نشود.

۲۴- مصر ادعای نظارت بر طرح آشتی ملی میان فلسطینیان را داشت و بعد از توافق گروه های

فلسطینی در مورد مفاد و متن توافق نامه بخش های معینی از آن را تغییر داد و محتوای اصلی آن را

از بین برد و سپس از حماس خواست تا آن را امضا

کند در حالی که آشکارا از یک گروه علیه گروه

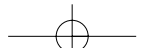
دیگری حمایت می کرد.

۲۵- مصر با پیمان امنیتی میان اسراییل^۲ و آمریکا که در تاریخ ۲۰۰۹/۹/۱۷ به امضا رسید به همکاری پرداخت و ساخت دیوار آهنینی را در مرزهای نوارغزه با حمایت مالی آمریکا و کارشناسی و تکنولوژی فرانسه و نظارت اسراییل^۲ شروع کرد که با دستان مصریان به اجرا درآمد و عملی شد تا غزه محاصره شده از تونل هایی محروم شود که تا کنون و بعد از انسداد گذرگاه رسمی توسط دولت مصر توانسته بود از طریق آن ها نیازهای ضروری خود را تامین کند. تمامی این تلاش ها به این منظور صورت می گیرد تا ملت فلسطین تسلیم شروط کمیته چهارجانبه ای شود که تمام هم و غم آن حفظ موجودیت اسراییل^۲ و امنیت آن است.

دولت مصر در برابر کمک های سالانه آمریکا تسلیم خواست و اراده آمریکاییان و دنباله روی سیاست های آمریکا و اسراییل^۲ شده و اکنون وظایف ملی و اسلامی خود را نادیده گرفته است. این کوتاهی دولت مصر در گذشته بود که نوارغزه به اشغال صهیونیست ها درآمد و اکنون نیز نباید با مشارکت خود در تشدید محاصره ساکنان این منطقه کارنامه گذشته خود را سیاه تر سازد بلکه باید به تعهدات اخلاقی و قانونی و سیاسی و اقتصادی خود در برابر نوارغزه پایبند باشد و نباید آن ها را زیر پا بگذارد و نادیده بگیرد. باید این تعهدات آویزه گوش این دولت و امت عربی و ملت اصیل و شریف مصر و فلسطین باشد. کمترین وظیفه دولت مصر این است که امروز باید توافق دوجانبه ای را با تشکیلات فلسطینی در غزه برای اداره گذرگاه رفح به امضا برساند تا ورود و خروج کالا و افراد آزادانه و قانونی صورت گیرد و سوخت، برق، سیمان، موادغذایی، دارو و سایر مایحتاج ساکنان منطقه تامین گردد و نوارغزه از قید و بند باج خواهی های صهیونیست ها رهایی یابد و تنها گذرگاه آن بر روی جهان خارخ بازگشایی شود. نادیده گرفتن حقوق ملت فلسطین و نیازهای آن به سود مصر نیست و استمرار وضعیت کنونی به منافع کشور مصر و امنیت ملی آسیب آن خواهد رساند و آینده این موضوع را ثابت خواهد کرد و بر آن صحه خواهد گذاشت.

دولت مصر کارهای زیادی را در جهت یاری رساندن به ملت فلسطین می تواند انجام دهد و آن گونه که وزیر امور خارجه مصر گفت که این کشور در تمامی عرصه ها و مجالات توانمند است؛ پس چرا در مورد منافع ملت فلسطین اقدامی به عمل نمی آورد و از خود چیزی نشان نمی دهد؟

منبع: مرکز اطلاع رسانی فلسطین



ضرورت های همگرایی جهان اسلام

مقدمه:

اجلاس بین المللی ضرورت های همگرایی جهان اسلام ماه گذشته در شهر جاکارتا پایتخت اندونزی برگزار شد.

در این اجلاس بزرگ نمایندگانی از کشورهای مختلف جهان از جمله لبنان، سوریه، مالزی، اندونزی، از جمله ۶۰ نفر از علمای مناطق گوناگونی از جمعیت نهضت العلماء (که ۷۰ میلیون عضو دارد) و جمعیت محمدیه با ۴۰ میلیون عضو، آمریکا و هیأتی از ایران به ریاست حضرت آیت الله تسخیری دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی شرکت داشتند. در این اجلاس دو روزه علماء و صاحب نظران جهان اسلام درباره ضرورت همبستگی، همگرایی، همکاری میان کشورهای اسلامی و راهکارهای ایجاد وحدت و تقریب میان مسلمانان، از بین بردن خشونت و تروریسم در بین مذاهب اسلامی، وحدت و تقریب در سیره نبوی تبادل نظر کردند.

اعضای هیئت ایرانی:

- ۱- آیت الله تسخیری - دبیرکل محترم مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی (ریاست هیئت)
- ۲- حجت الاسلام والمسلمین محسن قمی - معاون ارتباطات دفتر مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی)
- ۳- حجت الاسلام والمسلمین سید علی طاهری - نماینده محترم مجلس شورای اسلامی
- ۴- دکتر محمدحسن تبرائیان - معاون بین الملل و دبیر هیئت علمی مجمع تقریب
- ۵- خانم دکتر لاله افتخاری - نماینده محترم مجلس شورای اسلامی
- ۶- جناب آقای قدرت اله علیزاده - معاون پشتیبانی مجمع تقریب
- ۷- جناب آقای محمدرضا محمدی - مشاور دبیرکل و مدیرکل حراست مجمع تقریب
- ۸- حجت الاسلام والمسلمین آقای اکبر جدی - کارشناس معاونت بین الملل دفتر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)
- ۹- جناب آقای وحید عباسی - کارشناس مسئول بین الملل مجمع تقریب
- ۱۰- سرکار خانم سمانه روح - خبرنگار خبرگزاری تقریب

اسامی میهمانان برجسته خارجی:

- دکتر عبدالفتاح البزم - مفتی دمشق
- شیخ احمد الزین - رئیس تجمع العلمای مسلمین (لبنان)
- دکتر کریم دوگلاس کرو - متفکر لبنانی مقیم آمریکا

برگزار کنندگان اجلاس:

- ۱- مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
- ۲- جمعیت نهضت العلمای اندونزی
- ۳- رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در اندونزی

مراسم افتتاحیه:

کنفرانس بین المللی ضرورت های همگرایی جهان اسلام با حضور حضرت آیت الله تسخیری دبیرکل محترم مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، دکتر هاشم موزادی رئیس جمعیت نهضت العلمای اندونزی و ژنرال جوکو سوپانتو، وزیر ارشد هماهنگ کننده امور سیاسی، حقوقی امنیتی اندونزی در تالار اجتماعات هتل سلطان جاکارتا آغاز به کار کرد.

در ابتدای این مراسم آیت الله تسخیری طی سخنانی با اشاره به نقش تأثیرگذار اندونزی در توسعه و تعمیق وحدت و اخوت بین مسلمین افزود: اسلام دین رحمت و مودت است و قرآن کریم و پیامبر اعظم (ص) به الفت قلوب تأکید کرده اند.

دبیرکل مجمع التقرب با اشاره به تلاش های جمهوری اسلامی ایران در ترویج گفتگو بین ادیان و مذاهب اسلامی گفت: اسلام به عنوان دین عقلانیت، منطق، حریت و آزادی در اجتهاد زمینه ها و ظرفیت های فکری مناسبی را جهت گفتگو فراهم ساخته است و تاریخ اسلام نیز شاهد تعامل، همفکری و همکاری میان صحابی و بزرگان مذاهب اسلامی با یکدیگر بوده است.

حضرت آیت الله تسخیری سپس با اشاره به عوامل انحراف از مذهب گرایی به فرقه گرایی، توطئه چینی دشمنان اسلام، منافع شخصی برخی رهبران و حکام، تکفیر، بزرگنمایی، حمله به مقدسات، بی احترامی به دیگران و تردید در نیت گفتگوکنندگان را از جمله این عوامل برشمرد.

سپس ژنرال جوکوسوپانتو وزیر ارشد هماهنگ کننده امور سیاسی، حقوقی و امنیتی اندونزی نیز با قرائت پیام رئیس جمهور اندونزی گفت: کشور اندونزی آماده است برای ایجاد پلی میان مسلمانان و پیروان مذاهب اسلامی با دیگر کشورهای اسلامی همکاری کند، زیرا این امر موجب می شود مسلمانان به درک متقابلی دست یابند و مشکلات و چالش های درون اسلام را حل کرده و اجازه دخالت به بیگانگان را در امور مسلمانان ندهند. وی راه حل مشکلات کنونی جهان اسلام را از جمله بحران اقتصادی و... را توسعه همکاری های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی میان کشورهای اسلامی و عمل به اسلام دانست. در پایان مراسم افتتاحیه دکتر هاشم موزادی رئیس جمعیت نهضت العماء اندونزی نیز طی سخنانی ایران و اندونزی را به عنوان دو کشور بزرگ و پیشرفته جهان اسلام و نماینده دو گرایش مذهبی سنی و شیعه خواند که توسعه و تقویت همگرایی و همکاری میان آنان می تواند به عنوان الگویی جهت تنظیم مناسبات پیروان مذاهب اسلامی در سایر کشورها مطرح شود.

دکتر هاشم موزادی ریشه اکثر چالش ها و مشکلات موجود در جوامع اسلامی را تفرقه و فقدان همگرایی و همکاری میان کشورهای اسلامی خواند و یادآور شد: تنها چاره رهایی از این چالش ها عمل به دستور قرآن کریم در تمسک به وحدت اسلامی می باشد.

اولین نشست کاری:

در آغاز کار اولین نشست کاری اجلاس که با عنوان ألوحده الاسلامیه و المسوولیة الجماعیة" برگزار شد شیخ احمد الزین رئیس تجمع العلمای مسلمین لبنان با ارائه مقاله خود با عنوان أهداف الدعوة الاسلامیة" گفت: دعوت اسلامی از وظایف همه مسلمانان به خصوص علماء و متفکرین است که شامل دعوت به الفت بین قلوب، همکاری و تعاون بین یکدیگر می شود.

ایشان با اشاره به سوره مبارکه حجرات در قرآن کریم و احادیث نبوی(ص) مسأله وحدت را برگرفته از کتاب خدا دانست که پیامبر اکرم(ص) با عقد اخوت میان مسلمانان آنرا اشاعه می دادند. سپس دکتر عبدالفتاح البزم مفتی دمشق نیز در ادامه با ارائه مقاله خود با عنوان ألوحدة الاسلامیة

فی سیره سیدنا محمد(ص)" افزود: با توجه به شرایط کنونی جهان اسلام پرداختن به مسأله وحدت اسلامی از ضرورت های مهم می باشد که با تمسک به توحید واقعی قابل اجرا می باشد. مفتی دمشق در ادامه با اشاره به بحث وحدت در قرآن کریم و تذکر مداوم کتاب الهی بر یکسان بودن امت اسلامی افزود: اگر در تاریخ گذشته ملت ها بنگریم خواهیم دید که بزرگترین راز تقدم و پیشرفت بشریت همان مسأله وحدت است که متون اصلی کرامت و ایستادگی در برابر دشمنان بوده است.مفتی دمشق در پایان خواستار التزام مسلمانان به دین مبین اسلام جهت مقابله با دشمنانی شد که در جهت ایجاد تفرقه تلاش می کنند.

در پایان این نشست کاری دکتر کریم دوگلاس کرو از آمریکا و دکتر دین شمس الدین از اندونزی نیز ضمن ارائه مقاله خود به ارائه راه حل های مقابله با تفرقه انگیزی در بین مسلمانان پرداختند.

دومین نشست کاری:

در آغاز دومین نشست کاری اجلاس که با عنوان أزمة العالم الاسلامی و الحل البديل" برگزار شد، حجت الاسلام والمسلمین قمی معاون ارتباطات دفتر مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) با ارائه مقاله خود با عنوان ألحوار وأثره فی تحقیق الانسجام اسلامی و حل الخلافات" به بررسی شرایط گفتگو از جمله علم و شناخت داشتن طرفین، آزادی رأی و نظر طرفین، اثبات نظر با دلایل و مستندات پرداخت. ایشان در ادامه گفتگو را سنتی الهی و روش پیامبر اکرم(ص) دانستند که جهت زندگی مسالمت آمیز انسان ها ایجاد شده است.

حجت الاسلام والمسلمین قمی در ادامه همه انسان ها در پیشگاه خداوند منان برابر دانست و افزود: مقصد نهایی گفتگو همان وصول حق به صاحب آن است زیرا که گفتگو و تبادل آراء سالمترین راه رسیدن به سلامت است.

در ادامه این نشست جناب آقای قدرت الهه علیزاده معاون پشتیبانی و امور مجلس مجمع التقرب نیز با ارائه مقاله خود با عنوان تروریسم از دیدگاه اسلام" به بیان اینکه تروریسم مسأله ای است که به اندازه تاریخ بشریت قدمت دارد و با پیشرفت انسان و جوامع تحول یافته است پرداخت و افزود: دشمنان اسلام سعی دارند که بین اسلام و تروریسم ارتباط برقرار کنند و خیال می کنند اسلام عملیات تروریستی را قبول دارد و فراموش کرده اند که اسلام همیشه و همه جا دعوت به صلح و ایجاد امنیت و آرامش و رفع ظلم و انتشار عدالت و مساوات نموده است.

معاون پشتیبانی و امور مجلس مجمع افزود: اسلام ظلم را در همه اشکال آن رد کرده و اجازه تجاوز و تعدی به بندگان خداوند را نداده است.

سومین نشست کاری:

سومین نشست کاری اجلاس با عنوان بناء التضامن والوحده فی الدول الاسلامیة؛ الفرصة والتعصبات" و با سخنرانی دکتر محمدحسن تبرائیان معاون بین الملل و دبیر هیئت علمی مجمع صبح روز یکشنبه شروع به کار کرد.

ایشان با ارائه مقاله خود با عنوان أولویات الوحدة الاسلامیة فی مواجهة الفتن الطائفیة" طی سخنانی با اشاره به شرایط خطیر کنونی جهان اسلام، فتنه انگیزی و ایجاد تفرقه، نشر اختلافات و برافروختن جنگ های طایفه ای را از مصادیق

مقابله دشمنان با مسأله وحدت برشمردند و جنگ با تروریسم، طرح خاور میانه بزرگ، حقوق انسان و... را از طرح های دشمن دانستند که به واسطه آنها سعی در ایجاد تفرقه بین امت اسلامی و تقسیم آن بر اساس طوایف و مذاهب و نزادها مانند پاکستان، عراق و افغانستان دارند.

معاون بین الملل مجمع التقرب در ادامه اتحاد صفوف مسلمین و اشاعه روح تفاهم و تعاون را از نیازهای صوری کنونی امت اسلامی دانست و اسلام را دین وحدانیت، توحید و اخوت دانستند که مسلمانان را از فتنه برحذر داشته است.

سپس خانم دکتر افتخاری نماینده مجلس شورای اسلامی نیز با ارائه مقاله خود با عنوان "مبانی وحدت اسلامی"، سرشت آدمی را نهاد و منشأ وحدت دانست و نیاز به زندگی جمعی را از فطرت انسان دانست وافزود: وحدت امری مورد اجماع همه عقلاست و هر عقل سلیمی آنرا می ستاید. وی در ادامه اختلاف و تفرقه را از موانع رشد و ترقی و انحراف و نابودی انسان ها برشمرد و اشاره کرد که وحدت جهت الهی دارد و همه انسان ها را در کنار یکدیگر به سوی مسیری واحد و به سوی خدا فرامی خواند. مشاور دبیرکل در امور زنان در پایان وحدت را عامل حفظ دین، رستگاری و پیروزی مسلمانان دانست.

سپس در ادامه نشست حجت الاسلام والمسلمین سید علی طاهری به عنوان آخرین سخنران قبل از مراسم اختتامیه طی سخنانی با اشاره به نیاز ضروری جامعه کنونی به مسأله وحدت اسلامی، آنرا نیاز کنونی امت اسلامی جهت مقابله با دشمنان اسلام دانست و افزود: مسلمانان با برادری، وحدت و یکپارچگی می توانند مقابل توطئه های تفرقه انگیزانه دشمنان بایستند.

مراسم اختتامیه:

در ابتدای این جلسه که با حضور آقای سوریا دارما علی وزیر امور دینی اندونزی برگزار شد، آیت الله تسخیری دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی طی سخنانی با اشاره به مسأله نظام سیاسی و اقتصادی اسلامی در جهان کنونی، خواستار اتحاد و همدلی همه علمای جهان اسلام در جهت ایجاد نظامی منطبق با اصول اساسی اسلام، برادری و وحدت شدند.

دبیرکل مجمع التقرب در ادامه منابع و ثروت های کنونی جهان اسلام را متعلق به همه مسلمانان دانستند و آنرا منحصر به کشور خاصی ندانستند. ایشان سپس مشکل امروزی جهان اسلام را ظلم بشر در توزیع منابع طبیعی شمردند و همه مسلمانان را در برابر یکدیگر مسئول دانستند. حضرت آیت الله تسخیری در پایان مسلمانان را به وحدت و برادری برای ایستادگی در برابر دشمن تفرقه انگیز و متجاوز دعوت کردند.

آقای هاشم موزادی، رئیس جمعیت نهضت العلمای اندونزی نیز طی سخنانی خواستار وحدت علمی امت اسلامی جهت ایستادگی در برابر دشمنان اسلام شد. ایشان در ادامه همکاری میان کشورهای اسلامی در زمینه اقتصاد و تجارت را ضروری دانسته و مشکل کنونی جهان اسلام را فقر، جهل برشمرد و علم بدون عمل را باطل و مردود دانست.

در پایان این مراسم کنفرانس با قرائت بیانیه پایانی به فعالیت های خود پایان داد.

بخش نخست

پس از انقلاب طرفدار عفو و رأفت بود

درآمد:

آنچه در پی می آید روایتی مستند از برخی زوایای حیات علمی و عملی شهید آیت الله سید محمدعلی قاضی طباطبائی است که از ربع قرن آشنائی و مرادوه حجت الاسلام و المسلمین سید هادی خسروشاهی با آن شهید گران قدر مایه می گیرد. نزدیک شدن به پاره ای از نکات مهم و پرداختن به پاره ای از سرفصل های مغفول حیات سیاسی قاضی، این گفت و شنود را برای محققان حیات آن بزرگوار در مکانی ارجمند قرار می دهد. با سپاس از استاد خسروشاهی که علاوه بر پذیرش گفت و گو و تصحیح دقیق آن، اسناد و تصاویر تاریخی خویش را در اختیار شاهد یاران قرار دادند.



▲ از راست به چپ: آیت الله قاضی، آیت الله سید ابوالفضل خسروشاهی، حجت الاسلام شیخ محمد اصفی، حجت الاسلام سید محمد علیخانی

قرار داشت.

آشنائی و روابط شما به همان اقامه نماز در مسجد ایشان خلاصه می شود؟

نخیر! این آغاز کار بود... چون آیت الله قاضی اهل قلم و نویسندگی بود و در مجلاتی مانند "العرفان" چاپ صیدا - لبنان - مقاله می نوشت و یا مقالات اساتید و شخصیت های معروف علمی مانند آیت الله شیخ محمدحسین کاشف الغطاء را جمع آوری می کرد و من هم علی رغم صغر سن، علاقمند به آشنائی به این نوع کارها و مقالات بودم، به طور طبیعی خدمت ایشان می رسیدم.

مجموعه نخست آن مقالات تحت عنوان "الفردوس الاعلی" یک بار در نجف چاپ شده بود و به صورت کامل تر هم برای بار دوم در تبریز به چاپ رسید. یک مجموعه دیگر هم از آثار آیت الله کاشف الغطاء، با مقدمه و توضیحات ایشان، تحت عنوان: "جنه المأوی" باز در تبریز چاپ شد که شامل مقالات و بحث های علمی و تاریخی متنوعی بود.

این رابطه در واقع علمی - فرهنگی، آیا همچنان ادامه یافت؟

نه متأسفانه! چون من پس از سال ۱۳۳۲ و رحلت والد معظم، خیلی در تبریز نماندم و راهی حوزه علمیه قم شدم، ولی تابستان ها که به تبریز برمی گشتم، باز خدمت ایشان می رسیدم.

بعدها روابط چگونه بود؟

البته می دانیم که آیت الله قاضی طباطبائی شاگرد مرحوم آیت الله سید محسن حکیم بود و به طور طبیعی

می دانم که یکی از مریدهای مرحوم آیت الله شریعتمداری - و از دوستان خیلی خوب بعدی من - مرحوم حاج محمد علی آمیغی - توتونچی - که بازاری، ولی اهل فرهنگ بود، به چاپ و نشر آن اقدام کرده بود و نسخه ای هم به من داد که هنوز آن را دارم!

این رساله موجب سر و صدای زیادی شد و مرحوم آیت الله حاج سید علی آقا مولانا هم که از مروجین آقای حکیم بود، رساله ای در رد آن و تحت عنوان: "رفع الشبهة و دفع التهمة" نوشت و منتشر ساخت که در واقع هدف از آن، رفع اتهام از آیت الله حکیم در مورد خروج ایشان از اجماع علما! بود. بعد از این ماجرا، پس از اینکه آقای قاضی بدون "تبیین" و به صرف اینکه اخوین من مروج مراجع دیگر، غیر از آقای حکیم هستند، نظر منفی پیدا کرده بود، "مکدر" شدم و دیگر در نماز ایشان شرکت نکردم و به سراغ ایشان هم نرفتم.

این کدورت همچنان ادامه یافت؟

نه، خوب! هرچیزی یک اُمدی دارد و پس از رحلت آیت الله حکیم، اصل موضوع منتفی شد و آیت الله قاضی هم به صف دیگر علماء تبریز پیوست و در امر تقلید به آیت الله خوئی و امام خمینی و آیت الله میلانی ارجاع می داد... و بدین ترتیب روابط ما باز صمیمانه شد، به ویژه که من چون گویا به تعبیر ایشان، یک فاضل قمی! و یک نویسنده! اسلامی شده بودم، مورد مهر و محبت ایشان قرار گرفتم.

گویا در جریان انجمن های ایالتی و ولایتی، شما از طرف امام خمینی و آیت الله شریعتمداری به سراغ ایشان رفته و پیام آقایان را ابلاغ کرده اید و ایشان عکس العمل منفی داشته اند؟

بله! خوب این در آغاز حرکت امام و مراجع قم بود... در آن ایام، امام خمینی بنده را خواستند و نسخه ای از متن تلگراف خودشان را در مخالفت با جریان انجمن های ایالتی و ولایتی و شرکت زنان در انتخابات و ... به من دادند و فرمودند که به تبریز بروم و با آیت الله آقا میرزا عبدالله مجتهدی و آیت الله سید احمد خسروشاهی که از همدوره های امام در دوران حاج شیخ

عبدالکریم حائری در حوزه علمیه قم بودند، ملاقات کنم و سپس دیگر علمای آذربایجان را در جریان امور قرار دهم تا آنها هم اعلامیه مشابهی بدهند و اقدام کنند... من البته قبل از سفر به تبریز، به سراغ آیت الله شریعتمداری هم رفتم و ایشان نظریه "حاج آقا" - امام خمینی - را تایید و تاکید کردند که علمای آذربایجان باید حرکتی داشته باشند و با قم هماهنگ شوند.

من با مسوده تلگراف به شاه و یک اعلامیه به نام علمای تبریز، به سراغ اخوین و آیت الله مجتهدی و چند نفر دیگر از آقایان رفتم و آنها آن تلگراف و اعلامیه تهیه شده را امضا کردند... البته برای جمع آوری امضا نیاز به "همکار" داشتم که به سراغ مرحوم آقای شیخ محمد حسن بکائی و مرحوم آقا شیخ محمود وحدت - هر دو از وعاظ معروف تبریز - رفتم و همراه آنها به دیدار بقیه علما رفتیم که اغلب آنها آماده امضا کردن بیانیه بودند...

روزی صبح زود همراه آقای بکائی به منزل آیت الله قاضی که در محله مقصودیه - بازنزدیک منزل ما - قرار داشت، رفتیم... ایشان مشغول تدریس به چند نفر از طلاب بودند... من تلگراف را وسط درس - چون عجله داشتیم - به ایشان دادم تا امضا کنند. متأسفانه ایشان با شک و تردید به آن نگاه کردند و امضا نکردند که در این مورد، مرحوم آقای بکائی قضیه را چنین می نویسد: "در مورد تصویب نامه انجمن های ایالتی و ولایتی، جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای سید هادی خسروشاهی مسوده تلگرافی را از جانب حضرت امام به تبریز آورد که بنا بود پاک نویس این تلگراف در شهرهای کشور امضا شده و به محل مورد نظر مخابره گردد. آقای خسروشاهی با معیت من به خانه آقای قاضی طباطبائی جهت امضاء بردیم که ایشان با امتناع از امضا کردن گفتند: امام جمعه و آقای سید عبدالحجه ایروانی امضاء کنند بعداً من امضا می کنم و ما خائباً مایوساً از خانه ایشان برگشتیم و ناگفته نگذارم من به همراه آقای خسروشاهی با ماشین جیب یکی از دوستانم به نام آقای محمد حسین علی زاده که یک نفر جوان بالیامانی بوده است، به خوی و ارومیه رفتم و صورت تلگراف پاکنویس شده وسیله علماء آن دو شهر امضاء و به محل موردنظر مخابره گردید." (انقلاب نامه، محمد حسن بکائی، چاپ تهران ۱۳۸۳، صفحه ۹۸ و ۹۹) - البته غیر از آن دو شهر، به "مرند" و

یادمان

نیمه اول اسفند ماه - شماره ۲۲ - ۷



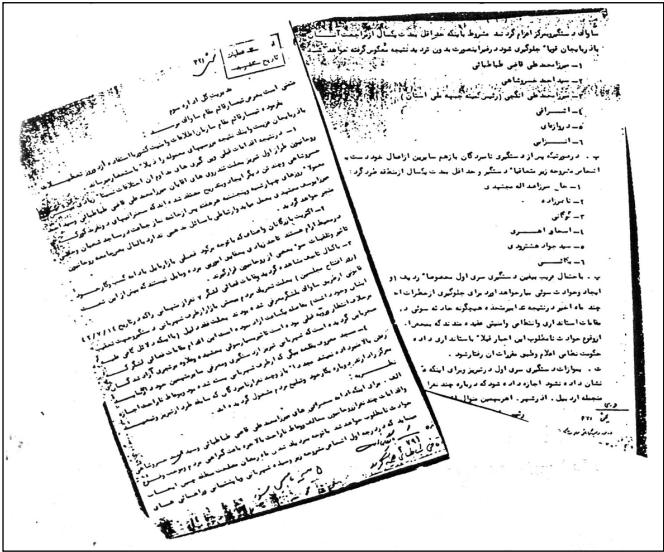
سازمان اطلاعات و امنیت کشور، با استفاده از دو روز تعطیلات به آذربایجان عزیمت و اینک نتیجه بررسی‌های معموله را ذیلا به استحضار می‌رساند.

۱. در نتیجه اقدامات قبلی و پیگیری‌های مداوم آن، اختلافات نسبتا زیادی بین روحانیون طراز اول تبریز به علت تندروری‌های آقایان میرزا محمدعلی قاضی طباطبائی و سید احمد خسروشاهی و چند تن دیگر ایجاد و به تدریج معتقد شده‌اند که سخنرانی‌های دو نفر مذکور که معمولاً روزهای چهارشنبه و پنجشنبه هر هفته پس از خاتمه نماز جماعت در مساجد شعبان و حاجی میرزا یوسف مجتهدی به عمل می‌آید و ارتباطی با مسائل مذهبی ندارد، بالمال به ضرر جامعه روحانیون منجر خواهد گردید.

۲. اکثریت بازرگانان و اصناف که با توجه به رکود فعلی بازار مایل به ادامه کسب و کار خود در محیط آرام هستند، تا حد زیادی به حقایق امور پی برده و مایل نیستند که بیش از این تحت تاثیر و تلقینات سوء بعضی از روحانیون قرار گیرند.

۳. با کمال تأسف مشاهده گردیده مقامات قضائی لشکر ۷ نفر از متهمانی که در تاریخ ۱۴/۷/۴۲ (روز افتتاح مجلسین) به علت تحریک مردم به بستن بازار از طرف شهربانی دستگیر و جهت تعقیب قانونی از طرف ساواک به لشکر معرفی شده بودند، به علت فقد دلیل (یا اینکه دلایل کافی علیه ایشان وجود نداشت) به فاصله یک ساعت آزاد نموده است. این روش مقامات قضائی لشکر که برخلاف انتظار و رویه قبلی بوده است، تاثیر بسیار سوئی بخشیده و علاوه بر تجری آزاد شدگان، منجر به این گردیده است که شهربانی تبریز از دستگیری و معرفی سایر متهمین خودداری نماید.

۴. مسجد معروف به قلعه بیگی که از طرف شهربانی بسته شده بود و وعاظ ناراحت اجازه رفتن بالای منبر داده نمی‌شد، مجدداً باز و چند نفر از نامبردگان که سابقه طرد از تبریز و تبعید به مرکز را دارند، دوباره به کار خود و تبلیغ مردم مشغول گردیده‌اند. الف. برای اینکه ادامه سخنرانی‌های میرزا محمدعلی قاضی طباطبائی و سید احمد خسروشاهی و اقدامات چند نفر از روحانیون مخالف و وعاظ ناراحت بالاخره باعث گمراهی مردم و موجب وقوع حوادث نامطلوب خواهد شد، با توجه به نزدیک شدن ماه رمضان، مصلحت منطقه چنین ایجاب می‌نماید که در درجه اول اشخاص مشروحه زیر به وسیله شهربانی و با پشتیبانی و راهنمایی‌های ساواک دستگیر و به مرکز اعزام گردند؛ مشروط به اینکه حداقل به مدت یک سال از مراجعت



▲ متن گزارش رئیس ساواک درباره علمای تبریز

سلطنت آباد و ۴۵ روز در زندان قزل قلعه و سپس در منازل تحت مراقبت شدید مأمورین قرار داشتند که از زندان هم بدتر بر آنها گذشت... (نهضت روحانیون ایران، تالیف: علی دوانی، ج ۴ ص ۲۴۰)

یکی از کارهای جالب مردم تبریز این بود که پس از دستگیری آقایان، عکس‌های آنان را در کنار عکس‌های مراجع قم و نجف و مشهد به شکل پوستر چاپ و در سطح وسیعی پخش کردند و ساواک هم به علت اینکه پوستر حاوی عکس‌های مراجع بود، نتوانست آنها را جمع‌آوری کند.

نقش آیت‌الله اخوی شما و آیت‌الله قاضی طباطبائی در پیشبرد اهداف نهضت مراجع چگونه بود؟
البته در آن دوران، کسی به دنبال نقش یابی! و یا سهم خواهی! نبود و همه، اعم از مراجع و علماء و مردم عادی و فرهیختگان، همه و همه، به دنبال پیگیری هدف و اصلاح امور بودند... و راز پیشبرد اهداف هم در همین نقطه: "خلوص نیت" و اخلاص و در عمل "نهفته بود، به هر حال هر دو بزرگوار در آماده‌سازی مردم، با سخنرانی‌های مکرر در مساجد خود و نشر اعلامیه‌ها، نقش خاص خود را داشتند. نقل یک گزارش از رئیس ساواک تبریز می‌تواند چگونگی این نقش را نشان دهد.

سرتیپ مهرداد، رئیس ساواک آذربایجان شرقی، این گزارش را در مورد دستگیری علماء و وعاظ به مرکز ارسال داشته است. لحن گزارش، موقعیت و اهمیت مرحوم قاضی و مرحوم اخوی را در مبارزه نشان می‌دهد:
"مدیریت کل اداره سوم متمنی است به عرض تیمسار قائم مقام ساواک برسد: به فرموده تیمسار قائم مقام

استقبال پرشوری از آن به عمل آوردند.

عمال رژیم ضد مردمی نیز در تاریخ ۱۲ آذر ۱۳۴۲ سه تن از علماء و ائمه جماعت: مرحوم حاج سید احمد خسروشاهی، حاج سید محمد علی قاضی طباطبائی و حاج سید مهدی دروازه‌ای و دو تن از وعاظ به نام آقایان حاج میرزا حسن ناصرزاده و حاج میرزا محمد حسین انزایی را دستگیر و به تهران آوردند و مستقیماً



▲ مردم تبریز پس از دستگیری و تبعید و زندانی شدن علماء و وعاظ شهر، عکس‌های مراجع قم و نجف را در سطح وسیعی به شکل پوستر در آذربایجان توزیع کردند.

به زندان قزل قلعه برده و زندانی نمودند.
به دنبال دستگیری روحانیون تبریز، اهالی غیرتمند این شهر دست به اعتصاب زدند و بازار و مغازه‌های خیابان‌ها بسته شد. این اعتصاب تا چهار روز ادامه داشت. رژیم شاه به منظور سرکوبی اعتصاب‌کنندگان، حکومت نظامی اعلام کرد و عده‌ای از مردم را بازداشت نمود... آقایان علماء و وعاظ تبریز ۱۵ روز در زندان

الاشراقی- الاحقر محمدعلی قاضی طباطبائی- الاحقر سید یوسف الهاشمی- الاحقر سید مهدی دروازه‌ای- الاحقر سید محمدعلی انگجی- الاحقر سید محمد فقیه- الاحقر عبدالحسین غروی- الاحقر محمود الموسوی خلخالی- الاحقر محسن آیت‌الله شریبانی- الاحقر سید کاظم الموسوی اهرابی- الاحقر حسین هشترودی- الاحقر سید مرتضی خلخالی- الاحقر مصطفی الموسوی مولانا- الاحقر زین‌العابدین نوبخت- الاحقر سید محمدعلی خلخالی.

علاوه بر این اعلامیه، تلگرافی هم مانند مراجع قم و علمای دیگر بلاد به شاه مخابره شد که امضای میرزا جعفر شیخ الاثمه امام جمعه تبریز و چند نفر دیگر که اعلامیه را امضا نکردند، پای آن دیده می‌شود...

پس آیت‌الله قاضی مخالف انقلاب نبود؟

نخیر! اصولاً در اوائل امر صحبت از انقلاب نبود، بلکه نصیحت و ارشاد بود و اینکه مثلاً "زنان در انتخابات" شرکت نکنند! و "سوگند به قرآن" هدف نشود، ولی آیت‌الله آقای قاضی

بعدها که حرکت اوج گرفت، به میدان آمد و بیش و پیش‌تر از دیگران به مبارزه پرداخت و در این رابطه بارها دستگیر و تبعید و زندانی شد... و

پس از پیروزی انقلاب هم که می‌دانیم به مبارزه علیه توطئه‌ها و عوامل استکبار ادامه داد و تا مرز شهادت پیش رفت که این توفیق نصیب همگان نگردید.
پس از اوج گرفتن مبارزات، مرحوم آیت‌الله قاضی و اخوی شما آیت‌الله خسروشاهی دستگیر و به تهران تبعید شدند؟

بلی، در یک اقدام نابخردانه، طبق درخواست سرتیپ مهرداد، رئیس ساواک آذربایجان شرقی، هر دو بزرگوار را همراه چند نفر دیگر از علماء و وعاظ تبریز دستگیر و به تهران اعزام و در قزل قلعه تهران زندانی شدند... مرحوم حجت الاسلام و المسلمین جناب حاج شیخ علی دوانی، مورخ منصف معاصر درباره این دستگیری و تبعید چنین می‌نویسد: "... علمای اعلام تبریز ترتیب کار را طوری داده بودند که هر شب در مسجد یکی از آقایان، همگی اجتماع کنند و ضمن بیان مسائل اسلامی، مردم را در جریان روز و آنچه برای مراجع عالیقدر و شخص آیت‌الله خمینی روی داده بود قرار دهند. این کار عملی شد و مردم نیز

"عجب شیر" هم رفتم و اغلب علماء آن بلاد تلگرافاتی به مرکز مخابره کردند.

آیت‌الله قاضی برای عدم امضا تلگراف به شاه چه دلیلی داشتند؟
همان‌طور که آقای بکائی اشاره کرده، ایشان گفتند: اول آقای ایروانی و امام جمعه تبریز امضا کنند، بعد من امضا می‌کنم... ما البته به سراغ امام جمعه تبریز که منصوب بود، نرفتم؛ اما آیت‌الله سید عبدالحجت ایروانی- پدر مرحوم آیت‌الله سید عبدالمجید ایروانی- گفتند من وارد "منازعات" نمی‌شوم، بهتر است "مذاکره" شود نه منازعه! البته آیت‌الله قاضی اعلامیه را پس از امضای گروهی از علماء امضا کردند که متن آن چنین است:

اعلامیه علماء و روحانیون تبریز

بسمه تعالی شاه‌الزیز
در تعقیب تلگرافات عیدیه حضرات مراجع و آیات عظام قم و نجف دامت برکاتهم درباره تصویب نامه اخیر دولت که برخلاف آئین مقدس اسلام و قانون اساسی شرط اسلام و مرد بودن انتخاب‌کننده و شونده و حذف نموده و قسم‌های آن را مبدل بکتاب آسمانی نموده‌اند بدینوسیله:

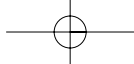
جامعه روحانیت آذربایجان
تأمل در نتیجه قطعی و اعلام صریح‌الغاء ماده‌ای گانه پشتیبانی کامل خود از مراجع بزرگ و پیر و پادشاهان دینی اظهار نموده و در دفاع از حریم مقدس اسلام و قرآن از انجام هیچ‌گونه وظیفه‌دینی خودداری نخواهند نمود

الاحقر احمد اهری- العبد ابوالقاسم گرگری- الاحقر سید محمدعلی انگجی- الاحقر سید احمد خسروشاهی- الاحقر جواد سلمان قرائی- الاحقر عبدالله سرابی- الاحقر محمدتوینجی- الاحقر علی الموسوی مولانا- الاحقر جعفر الاشراقی- الاحقر محمدعلی قاضی طباطبائی- الاحقر سید یوسف الهادی- الاحقر سید محمدروزی- الاحقر سید محمدعلی انگجی- الاحقر سید محمد فقیه- الاحقر عبدالحسین غروی- الاحقر محمود الموسوی خلخالی- الاحقر محسن آیت‌الله زاده شریبانی- الاحقر سید کاظم الموسوی اهرابی- الاحقر حسین هشترودی- الاحقر سید مرتضی خلخالی- الاحقر مصطفی الموسوی مولانا- الاحقر زین‌العابدین نوبخت- الاحقر سید محمدعلی خلخالی.

▲ متن اعلامیه علمای تبریز - در آغاز حرکت

اعلامیه علماء و روحانیون تبریز
بسمه تعالی شانه‌العزيز
در تعقیب تلگرافات عیدیه حضرات مراجع و آیات عظام قم و نجف دامت برکاتهم در باره تصویب نامه اخیر دولت که برخلاف آئین مقدس اسلام و قانون اساسی شرط اسلام و مرد بودن انتخاب‌کننده و شونده را حذف نموده و قسم به قرآن مجید را مبدل به کتاب آسمانی نموده‌اند. بدین وسیله جامعه روحانیت آذربایجان تا حصول نتیجه قطعی و اعلام صریح الغاء مواد سه‌گانه پشتیبانی کامل خود را از مراجع بزرگ و پیشوایان دینی اظهار نموده و در دفاع از حریم مقدس اسلام و قرآن از انجام هیچ‌گونه وظیفه دینی خودداری نخواهند نمود.

الاحقر احمد اهری- العبد ابوالقاسم گرگری- الاحقر سید محمد بادکوبی- الاحقر حسن الحسینی انگجی- الاحقر کاظم دینوری- الاحقر الحاج سید مرتضی مستنبت- الاحقر سید احمد خسروشاهی- الاحقر عبدالمجید- الاحقر سید ابوالفضل خسروشاهی- الاحقر جواد سلطان قرائی- الاحقر عبدالله سرابی- الاحقر محمد توتونچی- الاحقر علی الموسوی مولانا- الاحقر جعفر



دین و ملت، چهارمین روز اعتصاب خود را می‌گذرانید و همان وقت دانشگاه تهران سنگر آزادی خواهان و قم مقدس پایگاه معنویت در اعتصابی پیروزمند به سر می‌برد و در دانشگاه رضوی مشهد و دیگر شهرهای ایران تظاهرات بود. جهانیان دیدند که ملت چگونه یکپارچه و هماهنگ به بزرگداشت شهداء نهضت ملی ایران و اعتراض و پیکار علیه استبداد، قانون شکنی، بی‌دینی و دست‌نشاندهی هیئت حاکمه برخاست. جلادان دیکتاتور بیش از سی تن از روحانیون جلیل‌القدر را دستگیر ساختند و شنبه ۱۶ آذرماه اعتصابیون تبریز را با تانک و گلوله مورد تجاوز چنگیزی قرار دادند. در تهران بیش از ۵۰ تن از دانشجویان را زندانی کردند. حضرات آیات و حجج اسلام آقایان سید محمدعلی قاضی، سید احمد خسروشاهی و - سید مهدی- دروازه‌ای اینک در پادگان

یزد قیام کرد و نهضت ادامه یافت. در مورد احزاب سیاسی باید گفت که در آن دوران احزاب سیاسی به مفهوم واقعی کلمه وجود نداشت و سازمان‌ها و یا گروه‌هایی هم که قبلاً اعلام وجود کرده بودند، چندان در صحنه نبودند و فقط اعلامیه‌ای با امضای 'نهضت آزادی' در این مورد منتشر شد. متن این اعلامیه که از جهاتی جالب توجه و قابل تأمل است، بدین قرار بود:

آفرینندگان مشروطه بر ضد استعمار به پا خاستند. رگ‌های غیرتی که نیم قرن پیش، جوی خونی گلرنگ را جاری ساخت تا نهال آزادی و مشروطیت برومند و سرسبز گردد، بار دیگر خون مقدسش جوشید و در آذربایادگان جنبش مقاومتی بر ضد دیکتاتور و استعمار حامی او برپا کرد. همان مشیت درشتی که دیروز از آستین ستارخان‌ها به در آمد و کاخ استبداد محمد علی شاهی

آقای اخوی و سایر آقایان علمای اعلام و وعاظ عظام تبریز مطلع و بی‌نهایت متاثر و اقداماتی شد. امید است با توجهات حضرت ولی عصر علیه السلام مفید واقع شوند. ابوالقاسم الموسوی الخوئی وزارت پست و تلگراف و تلفن قم تهران ش ۱۶۷ ک ۲۶ ت: ۴۳/۱۰/۲

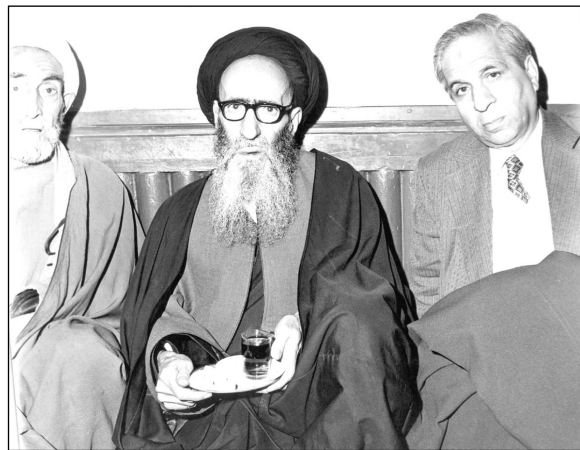
دادستانی ارتش، قزل قلعه، حضرت حجت الاسلام آقای قاضی، رونوشت آقای خسروشاهی سایر آقایان. گرفتاری آقایان موجب تأسف، عافیت همگی از خداوند خواستارم. محمد حسین طباطبائی اصل در پرونده محمد حسین طباطبائی بایگانی است. در پرونده قاضی طباطبائی بایگانی شود.

وزارت پست و تلگراف و تلفن شهری شماره ۱۳۳ ک ۱۱۵ ت ۱۰/۶ تهران - زندان قزل قلعه حضرات حجج الاسلام و المسلمین آقایان قاضی و خسروشاهی و دروازه‌ای و وعاظ محترم ناصرزاده و انزابی دامت برکاتهم گرفتاری حضرات موجب تأثر و تأسف شدید اینجانبان و عموم روحانیون و مسلمین گردیده امیدواریم مجاهدات و دفاع از حریم مقدس اسلام حضرات مورد توجه خاص حضرت بقیه‌الله واقع گردد تأییدات حضرات را از درگاه خداوند خواستاریم.

حسن الحسینی انگجی - الاحقر سید علی خوئی - صدرالدین جزایری - الاحقر حسین غفاری - محمد خوئی - سید ابراهیم علوی - حاج سید جعفر خوئی - سید شمس‌الدین ابهری - الاحقر حسن الحسینی المیززائی - الاحقر شیخ عبدالصمد خوئی - حسن سعید - الاحقر سید مهدی کماری - مهدی الحسینی انگجی - باقر القمی طباطبائی - سید محمد علی سبط - حاج سید هادی خسروشاهی - بکائی. ق - الف ۸۷۷ - اصل در پرونده ر ۷۹۷ بایگانی است. در پرونده قاضی طباطبائی بایگانی شود.

واکنش دستگیری آقای قاضی طباطبائی و آقای اخوی در بین احزاب سیاسی کشور چگونه بود؟

اشاره شد که این اقدام رژیم عکس‌العمل وسیعی در بین تمام محافل حوزوی و مراجع قم و نجف داشت و اغلب آنها با صدور بیانیه و ارسال تلگراف، این اقدام رژیم شاه را محکوم و تقبیح کردند. و باز اشاره شد که مردم تبریز هم علی‌رغم اعلام حکومت نظامی به خیابان‌ها ریختند و به تظاهرات گسترده‌ای دست زدند و به مدت چند روز، همه تبریز تعطیل عمومی بود... و رژیم با تانک و سلاح سنگین به خیابان‌ها آمد و به کشتار مردم پرداخت و با این نوع سرکوب تصور می‌کرد که مسئله در همه ایران خاتمه یافته است... اما در چهل شهدای تبریز،



واکنش‌های علما و مراجع در مورد دستگیری و تبعید علما آذربایجان و در راس آنها اخوی و آیت‌الله قاضی چگونه بود؟

البته واکنش‌ها مختلف بود. بعضی از مراجع مانند آیت‌الله حکیم- طبق اسناد ساواک- با وساطت خواستار آزادی آقایان بود و بعضی دیگر مانند آیت‌الله خوئی طی تلگرافی به آقایان، این اقدام دولت را محکوم کردند. علماء تهران و علماء دیگر بلاد نیز طی تلگراف‌هایی اعلام پشتیبانی کردند و عجیب آنکه مرحوم علامه طباطبائی که کمتر در این قبیل امور دخالت داشت، این بار تلگرافی خطاب به آقایان، به دادستانی فرستاد. متن بعضی از این تلگراف‌ها چنین بود:

وزارت پست و تلگراف و تلفن نجف تهران ۷۱ ک ۸۵ ت ۲۷ ل ت- تهران حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاجی آقا باقر طباطبائی دامت برکاته.

حضرات حجج اسلام آقای قاضی و آقای خسروشاهی و آقای دروازه‌ای و وعاظ عظام آقایان ناصرزاده و انزابی و سایرین، بازداشت آن جنابان در اثر دفاع از دین مبین حق و عدالت موجب تأثر شدید گردیده، پر واضح است که تحمل این مشقات منظور نظر ولی عصر ارواحنا فداء خواهد بود و لایحظن الله من یبصره ان الله لقوی عزیز. ابوالقاسم الموسوی الخوئی

اصل در پرونده م- و ۵۸۷ - بایگانی است.

در پرونده قاضی طباطبائی بایگانی شود. ۴۳/۱۰/۱۲

آیت‌الله خوئی علاوه بر تلگراف فوق، تلگراف‌های متعدد دیگری به آیت‌الله میلانی در مشهد و آیت‌الله شیخ محمدتقی آملی و آیت‌الله سید علی اصغر خوئی و آیت‌الله حاج آقا باقر طباطبائی در تهران و همچنین اخوی بزرگ‌تر ما در تبریز مخابره کردند که متن آن چنین بود:

حجت‌الاسلام و المسلمین آقا میرزا عبدالحسین غروی دامت برکاته (کیبه) حجت‌الاسلام و المسلمین آقا میرزا ابوالفضل خسروشاهی دامت برکاته

از گرفتاری حضرت مستطاب

آنان به آذربایجان قویا جلوگیری شود، در غیر این صورت بدون تردید نتیجه معکوس گرفته خواهد شد.

۱- میرزا محمد علی قاضی طباطبائی.

۲- سید احمد خسروشاهی.

۳- میرزا محمد علی انگجی (رئیس کمیته جبهه ملی استان).

۴- اشراقی.

۵- دروازه‌ای.

۶- انزابی.

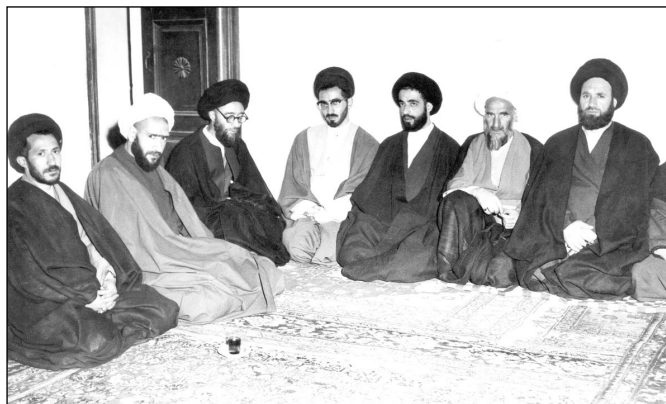
ب. در صورتی که پس از دستگیری نامبردگان، باز هم سایرین از اعمال خود دست برندارند، اشخاص مشروحه زیر متعاقباً دستگیر و حداقل به مدت یک سال از منطقه طرد گردند.

۱- حاج میرزا عبدالله مجتهدی. ۲- ناصرزاده. ۳- گوگانی (۲) ۴- اسحاق (۳) اهری. ۵- سید جواد هشتودی. ۶- بکائی (۴)

پ. به احتمال قریب به یقین دستگیری سری اول مخصوصاً ردیف ۱ و ۲ و ۳ عکس‌العمل‌هایی ایجاد و حوادث سوئی به بار خواهد آورد. برای جلوگیری از خطرات احتمالی و با توجه به اینکه در جریانات چند ماه اخیر در نتیجه تدابیر متخذه هیچ گونه حادثه سوئی در منطقه رخ نداده است، مقامات استانداری و انتظامی و امنیتی عقیده مندند که به محض احساس خطر و به منظور جلوگیری از وقوع حوادث نامطلوب، این اختیار قبلاً به استانداری داده شود که حداکثر به مدت یک هفته حکومت نظامی اعلام و طبق مقررات آن رفتار شود.

ت. به موازات دستگیری سری اول در تبریز و برای اینکه عکس‌العمل‌هایی در سایر نقاط استان نشان داده نشود، اجازه داده شود که درباره چند نفر از روحانیون مخالف و ناراحت منطقه من جمله اردبیل، آذرشهر، اهر به همین منوال اقدام گردد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت آذربایجان شرقی - مهرداد. با توجه به محتوای این گزارش می‌توان به نقش آیت‌الله اخوی و آیت‌الله قاضی و دیگر علماء تبریز پی برد!



▲ آیت‌الله سید حسن خلخالی، آیت‌الله شیخ راضی، آیت‌الله سید مهدی دروازه‌ای، سید هادی خسروشاهی، آیت‌الله قاضی طباطبائی، آیت‌الله میرزا ابوطالب تجلیل، حجت‌الاسلام والمسلمین سید موسی کوکبی، -دیدار در منزل علامه طباطبائی- ۱۳۸۳ ه‍.ق

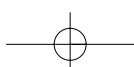
عشرت آباد زندانی هستند و حضرات حجج اسلام آقایان انزابی (۵)، وحدت اهری و برادران بنایی مراغه‌ای که از اجله علما و مجاهدان راه حق می‌باشد، در لشکر تبریز محبوسند.

هیئت حاکمه به دستور اربابانش دسته‌دسته از رهبران ملی ما را که در میدان مبارزه، رشادت و بصیرت و ایمانشان را ثابت کرده‌اند، تسلیم دژخیمان می‌کند. دکتر محمد مصدق پیشوای نهضت ملی ایران، حضرت آیت‌الله العظمی خمینی مقتدای شیعیان، سران عالی‌قدر نهضت آزادی ایران و علمای ارجمند و دانشجویان مبارزمان، محبوس و از خدمت بدین و ملت محرومند.

همکیشان، آزادیخواهان، حق طلبان!

رهبری نهضت آزادی ایران از شما دعوت می‌کند صفوفتان را منظم‌تر ساخته و جهادی همه‌جانبه، پیگیر، آتشین و بی‌امان را بر ضد دیکتاتور و استعمار در پیش گیرید. اتحاد، تشکل و نظم توأم با ایمان و بصیرت، ما را به پیروزی می‌رساند. نهضت آزادی ایران"

گفته می‌شود مسجد آیت‌الله قاضی یکی از پایگاه‌های اصلی



چاپ تهران به عنوان نقد و بررسی نقل شده است.

گفتید که آیت الله اخوی، قبل از پیروزی انقلاب رحلت نمود. واکنش آیت الله قاضی نسبت به این موضوع چگونه بود؟

پس از رحلت اخوی، آیت الله قاضی علاوه بر شرکت در همه مجالس بزرگداشتی که در محلات و مساجد مختلف شهر برگزار می شد، به مناسبت هفتمین روز درگذشت ایشان مجلس ترحیم پرشکوهی در مسجد خودشان در بازار - مسجد مقبره - برگزار کردند و ایشان را "سید الفقهاء و المجتهدین آیت الله آقای حاج سید احمد خسروشاهی اعلی الله مقامه" نامیدند و "در این ضایعه، خسارت علمی بزرگی بر جامعه علم و فقاقت وارد گشته و یک



▲ اقامه نماز میت، برای مرحوم آیت الله سید احمد خسروشاهی، توسط آیت الله سید ابوالفضل خسروشاهی، آیت الله قاضی طباطبایی و آیت الله امیرزا احمد شریبانی و مرحوم حاج منیری در صف اول دیده می شوند

استاد دروس خارج فقه و اصول و فلسفه در حوزه علمیه قم می باشد، در برگزاری این استقبال سهم به سزایی داشت و حتی اشعاری در پشتیبانی از مبارزه و علمای تبعیدی در منزل ایشان قرائت کرد که موجب دستگیری و زندانی شدن ایشان گردید... ولی پس از آن استقبال، در روز پنجم اردیبهشت ۱۳۴۳ خفشان رژیم شاه به منزل ایشان هجوم بردند و ایشان را مجدداً دستگیر و به تهران منتقل نمودند و افراد مسئول از استقبال را هم بازداشت کردند و به زندان انداختند!

بعضی ها مدعی شده اند که آیت الله قاضی از طریق هیراد، رئیس دفتر شاه، نامه ای برای او ارسال و از علمای تبریز، از جمله جناب عالی "شکایت" کرده اند.

نسخه ای از این نامه منسوب به ایشان در همان ایام به دست بنده رسید که همین امر-توزیع نامه- موجب شک من گردید. در آن نامه، علما و وعاظ مبارز تبریز، وابسته! به ساواک! معرفی شده بودند و حقیر هم به عنوان "رأس فتنه!" و یا "تولیدکننده انقلاب" قلمداد شده بودم... به نظرم این یکی دیگر از توطئه های ساواک برای ایجاد اختلاف بین علمای مبارز بود... و من هرگز نمی توانم تصور کنم که این سعایت از طرف ایشان صادر شده باشد. شأن ایشان بالاتر از این حرف ها بود، اما متأسفانه تکذیب رسمی از ایشان در این زمینه منتشر نگردید و گویا در خاطرات خودشان که در تبعیدگاه باقی نوشته اند، به این امر پرداخته اند که متأسفانه همچنان

مخطوط مانده و به دست چاپ سپرده نشده است. متن این نامه در کتاب "زندگی و مبارزات آیت الله قاضی طباطبائی" تألیف آقایان رحیم نیکبخت و حمید اسماعیل زاده، چاپ نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی و در کتاب "انقلاب نامه" مرحوم آقای بکائی

متأسفانه در تبریز اختلافاتی پیش آمد و همکاری کامل بین همه علما از بین رفت... نکته اصلی اختلاف هم باز مسئله "مرجعیت" بود که هر کدام از آقایان، یکی از مراجع قم یا نجف و مشهد را معرفی می کردند و در نتیجه تشتتی بر اوضاع حاکم شد، البته اخوی تا آخرین روز زندگی به نحوی به مبارزه ادامه داد، ولی تقریباً یک سال پیش از پیروزی انقلاب به رحمت حق پیوست که آن هم به نظر من از لطافت خفیه حق بود... چون اگر زنده مانده بود، با پاره ای امور - مثلاً مانند موسیقی؟- به مخالفت برمی خاست و این به صلاح انقلاب نبود.

البته نظر کلی من در این رابطه آن است که ساواک به هنگام اقامت آقایان در تهران، برای درهم شکستن وحدت رهبری در تبریز که به عهده این آقایان بود، توطئه ای را اجرا کرد که موجب تخریب روابط بین این دو بزرگوار گردید... و متأسفانه مراجعت زود هنگام آیت الله قاضی به تبریز و به تنهایی- و حتی بدون اطلاع دیگر آقایان تبعید شده از تبریز- موجب تکدر خاطر آقایان تبعیدی، به ویژه اخوی ما گردید تا آنجا که من در تهران، در اقامتگاه اجباری شان در خیابان شاهپور، ایشان را خیلی آشفته و متاثر دیدم. وقتی علت را جویا شدم، دیدم که از بازگشت بدون اطلاع آقای قاضی به شدت رنجیده اند و آن را در واقع نوعی عدم همراهی و یا به اصطلاح دوستان امروزی "انحصار طلبی" و "تمامت خواهی" ادراکه امور مبارزه و مصادره کامل آن، تلقی می کردند که برای استمرار آینده مبارزه، این روش را خطرناک و مضر می دانستند.

مراجعت ایشان به تبریز از طرف مردم و رژیم چه واکنشی داشت؟ آیا حوادث تازه ای رخ نداد؟

ایشان در تاریخ چهارم اردیبهشت ۴۳ به تبریز مراجعت نمود که با استقبال پرشکوه مردم روبرو شد... اخوی بازاری ما، یعنی آقای حاج سید جعفر خسروشاهی حفظه الله (ابوی جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای سید رضا خسروشاهی که از

۲- عین سه جلد از جزوات فوق الذکر جهت استحضار به پیوست تقدیم می گردد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت آذربایجان شرقی - مهرداد.

گفته می شود که بعد از تبعید و زندانی شدن، آقای اخوی با آیت الله قاضی اختلاف نظر شدیدی پیدا کردند که موجب مشکلاتی در محیط آذربایجان گردید؟

البته من در تبریز نبودم، ولی از ماهیت و علل این امر کاملاً آگاه بودم و در دیداری با اخوی هم من اصرار بر روشن شدن حقیقت داشتم که ایشان مطالبی را بیان داشت به شرط آنکه تا در حال حیات هستند، نقل نکنم...

ولی من به خاطر همان مصالح کلی، حتی پس از وفات هم مایل نیستم آنها را مکتوب سازم و امیدوارم که آن دو بزرگوار در محضر حق تعالی، همان طور باشند که قرآن می فرماید: ادخلوها بسلام آمنین و نزعنا ما فی قلوبهم من غل اخواناً علی سرر متقابلین. مرحوم امام خمینی در پاسخ نامه من در باره این قبیل اختلافات آقایان تبریز- مربوط به اختلافات مرجعیت- مرقوم داشته اند که بنده "به هر نحوی که صلاح" می دانم در رفع اختلاف کلمه آقایان بکوشم و این البته نشان دهنده لطف و حسن نظر امام نسبت به اینجانب بود. متن نامه چنین است:

باسمه تعالی
خدمت جناب مستطاب سیدالاعلام و ثقة الاسلام آقای سید هادی خسروشاهی دامت افاضاته

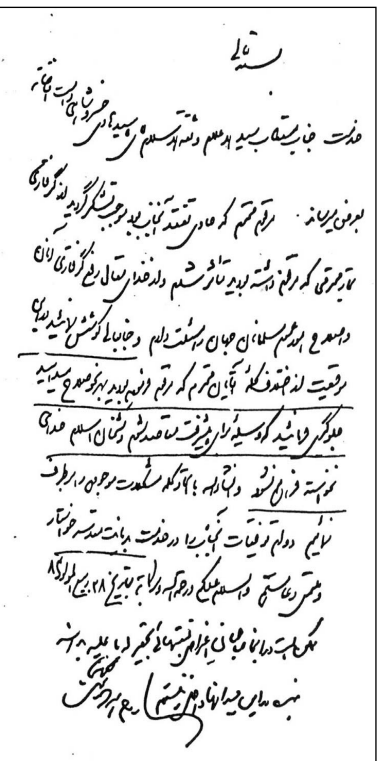
به عرض می رساند مرقوم محترم که حاوی تفقد آن جناب بود، موجب تشکر گردید. از گرفتاری تجار محترمی که مرقوم داشته بودید متاثر شدم و از خدای متعال رفع گرفتاری آنان و اصلاح امور عموم مسلمانان جهان را مسئلت دارم. جناب عالی کوشش نمائید در این موقعیت از اختلاف کلمه آقایان محترم که مرقوم فرموده بودید به هرنحو صلاح می دانید جلوگیری فرمائید که وسیله برای پیشرفت مقاصد شوم دشمنان اسلام خدای نخواستہ فراهم نشود و ان شاء الله با اتحاد کلمه، مشکلات موجود را برطرف نمائیم. دوام توفیقات آن جناب را در خدمت به دیانت مقدسه خواستار و ملتمس دعا هستم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

تاریخ ۲۸ ربیع المولود ۸۴۰ ممکن است در آن جا صاحبان اغراض نسبت هائی به حقیر له یا علیه بدهند. بنده در این میدان ها داخل نیستم.

روح الله الموسوی الخمینی
آیا همکاری مشترک تا پیروزی

مبارزه بود. آیا شما از این پایگاه استفاده می کردید یا فعالیت ها در آن زمان هم جناحی بود! و فعالیت دوستان شما در آنجا مقدور نبود؟

به هر حال مسجد ایشان یکی از مساجد فعال شهر تبریز در امر نهضت و مبارزه و نشر اندیشه های مبارزاتی بود... و این جناح بندی ها هم که اشاره کردید در آن ایام به این شدت مطرح نبود! و در واقع به علت حضور جوانان در آن مسجد، پاتوق ما و دیگر دوستان هم بود... و من نشریاتی را که در تهران و قم چاپ می کردیم، به تبریز می فرستادم که در مسجد ایشان توسط نوجوانان توزیع می شد. ساواک در گزارشی نام سه کتاب را



▲ متن نامه امام خمینی (ره)

می نویسد که هر سه تای آنها را من در قم و تهران و تبریز چاپ و منتشر ساخته بودم. متن گزارش ساواک چنین است:

نخست وزیری
گیرنده: اداره کل سوم
فرستنده: ساواک آذربایجان
تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور

۱- روز چهارشنبه ۲۸ جاری قبل از سخنرانی آقای قاضی طباطبائی در مسجد شعبان، جزواتی به نام جنگ دیروز و فردا نوشته مهندس مهدی بازرگان و الفبای فکری حسین (ع) از محمدرضا صالحی کرمانی و بحثی درباره ماتریالیسم و کمونیسم از ناصر مکارم با مقدمه ای از سید هادی خسروشاهی، به وسیله اطفال خردسال فروخته می شد. چون با وضعی که مسجد داشت، هیچ گونه اقدامی مقدور نبود، علیهذا مراتب برای شناسائی اشخاصی که جزوات فوق را جهت فروش در اختیار آنان گذاشته بودند، مورد بررسی و تحقیق می باشد.

تلمه فی الدین لایسدها شیء
نظر برار رسیدن اولین هفته رحلت اسفناک حضرت مستطاب حجة الاسلام و المسلمین سید الفقهاء و المجتهدین آیت الله آقای حاج سید احمد آقا خسروشاهی اعلی الله مقامه که با فقدان عظیم خویش قلوب عموم علمای اعلام و طایفه اهالی محترم و علاقه مندان را جر بحداد نموده و در این ضایعه خسارت علمی بزرگی بر جامعه علم و فقاقت وارد گشته و یک شخصیت بارز دینی از صف مبارزان اسلامی از دست رفته مجلس نورحیمی روز پنجشنبه ۱۲ رجب مطابق ۹ تیر ماه از ساعت ۸ صبح در مسجد مقبره منعقد و ساعت ۱۰/۵ ختم خواهد شد بدیهی است برای عرض تسلیت ساحت اقدس حضرت بقیه... فی العالمین ارواحنا فداه عموم اهالی و طبقات محترم و علمای اعلام و مبلغین دینی و عزاداران حسینی و کسبه و اصناف برای تعظیم و بزرگداشت شعائر مذهبی و قدردانی از خدمات دینی آن بزرگوار در این مجلس سوگواری شرکت خواهند فرمود
سید محمد علی قاضی طباطبائی
نشانی: روبروی راسته بازار - مسجد مقبره

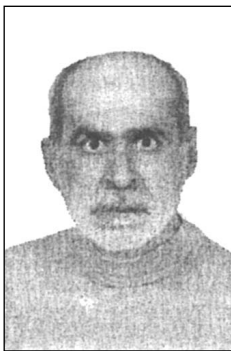
شخصیت بارز دینی از صف مبارزه اسلامی از دست رفته" تلقی کردند. متن اعلامیه ایشان چنین بود:

"تلمه فی الدین لایسدها شیء
نظر به فرا رسیدن اولین هفته رحلت اسفناک حضرت مستطاب حجت الاسلام و المسلمین سید الفقهاء و المجتهدین آیت الله آقای حاج سید احمد آقا خسروشاهی اعلی الله مقامه که با فقدان عظیم خویش قلوب عموم علمای اعلام و قاطبه اهالی محترم و علاقه مندان را جریحه دار نموده و در این ضایعه خسارت علمی بزرگی بر جامعه علم و فقاقت وارد گشته و یک شخصیت بارز دینی از صف مبارزان اسلامی از دست رفته، مجلس ترحیمی روز پنجشنبه ۱۲ رجب مطابق ۹ تیرماه از ساعت ۸ صبح در مسجد مقبره منعقد و ساعت ۱۰/۵ ختم خواهد شد.

بدیهی است برای عرض تسلیت به ساحت اقدس حضرت بقیه الله فی العالمین ارواحنا فداه، عموم اهالی و طبقات محترم و علمای اعلام و مبلغین دینی و عزاداران حسینی و کسبه و اصناف برای تعظیم و بزرگداشت شعائر مذهبی و قدردانی از خدمات دینی آن بزرگوار در این مجلس سوگواری شرکت خواهند فرمود.

سید محمد علی قاضی طباطبائی
ادامه دارد...

آشنایی با آقای احمد باقریان از اهالی فرهنگ و قلم جهرم



آراسته گردید و این دفتر شعر برگزیده، مجموعه اصطلاح اشعاری است که از آغاز سال ۱۳۷۱ لغایت پایان آذرماه ۱۳۸۴ شمسی سروده شده.

از الطاف کریمانه حضرات حجج اسلام: سید ضیاء الدین مرتضوی، سردبیر ماهنامه "پیام زن" - محمود مهدی پور، سردبیر فصلنامه "فرهنگ کوثر" - فرج الله فرج الهی، مدیرمسئول ماهنامه "درس هایی از مکتب اسلام" و دانشمند محترم جناب آقای خضری، سردبیر ماهنامه "عصر اوز" بذل لطف نموده، قسمتی از اشعار را در نشریات ارزنده فوق طبق فرمودند، نهایت تشکر و سپاس را دارم. سه شعر از این اشعار نیز در کتاب های "عبد صالح" و "ستایشگران کوثر قم" یک شعر نیز در ماهنامه مقدس "زائر" و سپس در کتاب "زمزمه های دلباختگان" طبع گردیده است.

تشکر خویش را از ادیب فرزانه، خواهر فاطمه نیازی، مسئول بخش شعر ماهنامه گرانسنگ "پیام زن" که زحمت مطالعه، انتخاب اشعار فوق و ارشادات ارزنده را به عهده گرفتند اعلام داشته و اجر آن دانشور فرهیخته را به اهل بیت پاک پیامبر حواله می نمایم... و از محبت دختر فاضلم خانم زهرا باقریان که در ویرایش و تصحیح این اوراق پراکنده مرا یاری نمود، ممنونم..

نشریه بعثت برای جناب آقای باقریان از خداوند سلامتی و ادامه خدمت فرهنگی را خواستار است.

جهش عجیب از شغل خربندگی به سرهنگی رسیده بود، گفتند: چه عاملی مایه این تحرک و ترقی شد؟ پاسخ داد: روزی دیوان منجیک ترمذی را گشودم و با این دو بیت روبرو شدم: مهتری گر به کام شیر در است شو خطر کن ز کام شیر بجوی

با بزرگی و عز و نعمت و جاه یا چو مردانت مرگ رویاروی

با خواندن این دو بیت تصمیم گرفتم از شغل خربندگی چشم پپوشم و وارد کارهای نظامی و سپاهی بشوم. تصمیمم را به کار بستم و اینگونه پیشرفت کردم.

این دو بیت اقبال لاهوری می تواند انسان ها را منقلب کند و آنها را از ذلت و فرومایگی رها سازد: آدم از بی بصری بندگی آدم کرد گوهری داشت ولی نذر قباد و جم کرد یعنی از خوی غلامی ز سگان پست تر است من ندیدم که سگی پیش سگی سرخم کرد شاعر معاصر آقای احمد باقریان از آن سرایندگانی است که قصاید بسیاری در مدح آل رسول (علیه السلام) سروده و با زبان شعر، به دفاع از حق و مبارزه با باطل پرداخته و آثار شعری او به صورت پراکنده یا مجموعه چاپ و منتشر شده است. اینک خوشحالم که این مجموعه را تقدیم اهل ذوق و ادب و اخلاص و ایمان می کند. امید است که مشمول آخرین آیه سوره شعرا باشد.

حوزه علمیه قم - احمد بهشتی
۸۵/۴/۱۲

و آقای باقریان خود در مقدمه این دیوان - شور عشق - چنین می نویسند: اشعاری را که تا پایان سال ۱۳۷۰ سروده بودم، تحت عنوان گلبوته های ولایت به زیور طبع

ابتدا به صورت سلسله مقالات در هفته نامه ی ندای حق تهران چاپ شده است.

۳- گلبوته های ولایت، دفتر اول شعر، چاپ اول به سال ۱۳۷۶، چاپ دوم به سال ۱۳۷۱، انتشارات انجام کتاب تهران.

۴- گل واژه های ولایت دفتر دوم شعر، به سال ۱۳۶۹، انتشارات امید قم.

۵- زمزمه های دلباختگان، گردآوری منتخبی از اشعار درباره چهارده معصوم (ع)، به سال ۱۳۷۶، انتشارات مکتب اسلام.

۶- آشنایی با صحیفه سجادیه، تجلی پیام جاوید عاشورا، به سال ۱۳۸۲، انتشارات زائر، آستانه مقدسه قم

آثار چاپ نشده:

۱- انشاء و نامه نگاری

۲- دو داستان

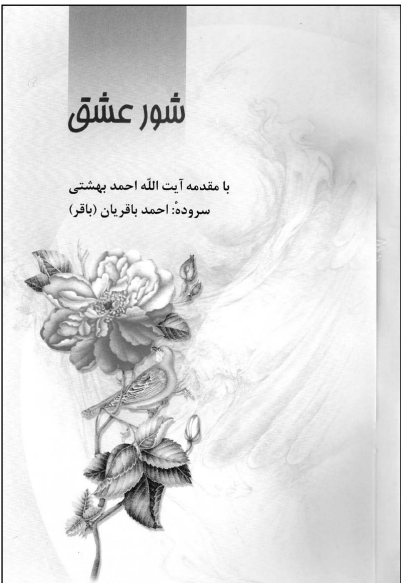
۳- حکایت های گوناگون

محقق گرانقدر آیت الله احمد بهشتی بر دیوان شور عشق آقای باقریان مقدمه ای نوشته اند که در ضمن آن چنین آمده است:

... شاعران بر دو دسته اند: شاعران متعدّد و شاعران غیرمتعدّد.

دسته اول سرسلسله گمراهانند و اشعارشان ورد زبان این طایفه است. اینان خود در بیابان های تخیلات سرگردانند و با خیالات واهی خود، گاهی را کوهی و کوهی را کاهی می کنند و اما دسته دوم که به ایمان و عمل صالح و یاد بسیار خداوند آراسته اند و مبارزه با ظلم را پیشه کرده اند، می توانند با اشعار خود وارد میدان گسترده عرفان و حماسه و مدیحه خویان و پاکان شوند و دل های مستعد را نور و صفا و معرفت بیفزایند.

شعر می تواند خفته ای را بیدار و وامانده ای را بپویا و تبلی را فعال سازد. به مردی که با یک



آقای احمد باقریان، فرزند امرالله، متولد ۱۳۲۹ جهرم از اهالی فرهنگ و قلم شهرستان جهرم هستند و دارای ذوق شعری که در اشعار خود تخلص "باقر" را برگزیده است و از اعضای اولیه انجمن شعر و ادب شهرستان جهرم بوده اند.

آقای باقریان علیرغم مشکلات فیزیکی، همیشه به موازات کار فرهنگی در اداره آموزش و پرورش شهرستان جهرم به نوشتن مقالات و سرودن اشعار و نشر کتاب پرداخته اند.

برخی از آثار ایشان عبارتند از:

۱- کتابچه "توحید فطری یا پاسخی به ایدئولوژی ماتریالیسم" به سال ۱۳۵۴، انتشارات کتابخانه صدر تهران.

۲- اسلام و سیاست، به سال های ۱۳۵۸ و ۱۳۷۴، انتشارات مکتب اسلام قم. این کتاب در

باسمه تعالی شانه العزیز

سال گذشته اولین شماره ای که از دوهفته نامه گرانسنگ "بعثت" به لطف حضرت استاد سید هادی خسروشاهی (دامت برکاته) جهت نگارنده ارسال شد، مصاحبه ای از معظم له درباره شخصیت والای استاد علامه نویسنده و مورخ شهیر مرحوم علی دوانی درج شده بود. نسخه ای یک جلدی از کتاب پیرای نقد عمر اثر مرحوم استاد دوانی موجود داشتیم که متأسفانه مطلب اشتباهی در صفحه ۵۲۷ که تحت عنوان "کنگره بزرگداشت آیت الله سید عبدالحسین لاری" طبع گردیده، ملاحظه نمودم. از آن موقع تاکنون بارها در نظر داشتم مطلب فوق را تصحیح کنم، لیکن توفیق رفیق نمی شد. تا در شماره اخیر "بعثت" که گزارش جلسه بزرگداشت علامه دوانی در تهران را داشت، این مطلب انگیزه نگارش این سطور گردید و از آنجا

مجتبی موسوی لاری مفید می دانم. چند سال قبل که ناهار در قم مهمان معظم له بودم، فرمودند که امروز استاد سید هادی خسروشاهی را زیارت کرده ام و فرمودند که ترتیب ترجمه و طبع کتاب شریف "تهج البلاغه" را به زبان ایتالیایی داده ام و می نالیدند که چرا ما قدر دانشمندان خدمتگزار خویش را نمی دانیم؟!

نکته دگر آن است که از طرف "حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور" سال آینده مراسم نکوداشت معظم له برگزار می گردد. کار صوابی خواهد بود. البته نگارنده خاطراتی در ۵۰ صفحه از معظم له نگاشته ام. با اعتداز از تصدیع برای مرحوم علامه دوانی علو درجات از درگاه خداوند بزرگ آرزو مندم.

احمد باقریان
دارالمومنین جهرم
۲۲ بهمن ۱۳۸۸

اخلاق و فضیلت آیت الله سید مجتبی موسوی لاری (دام ظلّه) می باشد که موسس موسسه "مرکز نشر معارف اسلامی در جهان" واقع در شهر مقدس قم که شعبه ای نیز در لار دارد- می باشد. کتاب های متعددی از ایشان از جمله "بررسی مشکلات اخلاقی و روانی"، رسالت اخلاق در تکامل انسان، "سیمای تمدن غرب"، مبانی اعتقادات در اسلام" (در ۴ جلد) انتشار یافته است. البته لازم به تذکر است که کتاب های فوق ابتدا به صورت سلسله مقالات در مجله "مکتب اسلام" - سالنامه معارف جعفری و مجله "سروش" طبع گردیده است. فرزند دوم ذکور معظم له حجت الاسلام سید عمادالدین موسوی لاری داماد آیت الله سید باقر خسروشاهی است.

ذکر دو نکته دیگر نیز درباره حضرت سید

که این مطلب طبع گردیده، برای اصلاح آن مطلوب به نظر می رسد که در "بعثت" درج گردد و آن نکته این است:

در سطر ۲۱ صفحه ۵۲۷ "نقد عمر" نام یکی از فرزندان آیت الله العظمی سید عبدالحسین لاری را "عبدالحسن" و نام فرزند دیگر معظم له را "عبدالعلی" دانسته است. اولاً آن مرحوم سه فرزند ذکور به نام های "سید عبدالمحمد، سید علی اکبر و سید علی اصغر" داشته اند. عبدالحسن نام برادر آن مرحوم بوده و عبدالعلی نیز نام یکی از نوه های مرحوم آیت الله سید عبدالحسین لاری می باشد. معظم له جامع معقول و منقول و امام جمعه شهر لار می باشند. همین جا بی تناسب نیست که از یکی دیگر از نوه های آن مجاهد سترگ نام ببرم که حتماً دوستان نامبرده را می شناسند. این بزرگوار مرد

پس از ۵۱ سال و برای نخستین بار؛

دیدگاه های آیت الله بروجردی در باره ولایت فقیه منتشر شد

حجت الاسلام احمدی بروجردی تصریح کرد: یکی از ویژگی های این اثر بیان دیدگاه فقهی آیت الله بروجردی درباره ولایت فقیه است که در پایان جلد دوم این مجموعه بیان شده است، ضمن اینکه استفتانات مذکور در همه ابواب فقهی است.

بروجردی را احیای آثار این عالم ربانی دانست و اظهار داشت: کار گردآوری مجموعه استفتانات از سال ۱۳۸۳ آغاز شد و مجموعاً هزار و ۶۴۰ ساعت کار به همت محققان بر روی این اثر صورت گرفته است.

گفت: مجموعه دو جلدی استفتانات حضرت آیت الله بروجردی برای نخستین بار به زبان فارسی منتشر شده است و در برگزیده مجموعه پاسخ های ایشان به استفتانات است. وی یکی از رسالت های مؤسسه آیت الله

مجموعه دو جلدی استفتانات حضرت آیت الله بروجردی (ره)، پس از گذشت ۵۱ سال، از سوی مؤسسه حضرت آیت الله بروجردی منتشر شد. حجت الاسلام محمدرضا احمدی بروجردی، رییس مؤسسه آیت الله بروجردی

معرفی کتب مرکز اسناد انقلاب اسلامی



تجار و متدینین بازار، امکان ارائه خدمات گسترده رفاهی، فرهنگی و اجتماعی در سطح حوزه‌های علمیه و خارج از آن را فراهم آورده بود. او و دوستان همفکرش بعد از قضایای سال ۱۳۴۲ و دستگیری اعضای گروه اصلاح حوزه در سال ۱۳۴۴، مبارزات فرهنگی را بنیان گذاشتند. آیت الله حائری در پایه‌ریزی کانون‌های مهم مبارزه چون مدرسه حقانی، دین و دانش و... نقش مهمی ایفا کرد و این مراکز نقش سرنوشت‌سازی در جریان انقلاب و سپس تثبیت نظام و تأمین نیروهای مدیریتی نظام داشتند. این کتاب به بررسی خدمات اجتماعی و فرهنگی آیت الله حائری تهرانی می‌پردازد.

معنای تحول در نگرش افراد و توده‌ها به حکومت و ساختار آن است. نخبگان با تغییر محیط روانشناسانه افراد و توده‌ها، مهم‌ترین عامل تحول در فرهنگ سیاسی آنان می‌باشند. از دوران نهضت تحریم تنباکو تا پیروزی انقلاب مشروطه، نخبگان مهم‌ترین نقش را در تحول فرهنگ سیاسی در ایران ایفا کرده‌اند. انتشار مفاهیم سیاسی جدید و ارائه الگوی بدیل نظام سیاسی و انتقاد از شرایط اجتماعی و سیاسی توسط نخبگان کاندیدا مهم‌ترین شیوه آنان در تغییر فرهنگ سیاسی ایران در این دوره بوده است. این کتاب تلاشی است برای بررسی اندیشه‌های سه نخبه سیاسی تأثیرگذار: حاج شیخ فضل الله نوری، ملکم خان و طالبوف که در تحول فرهنگ سیاسی توده در دوران تاریخی مورد بحث تأثیر فراوانی بر تحولات سیاسی - اجتماعی ایران داشته‌اند.

تاریخ شفاهی زندگانی و خدمات اجتماعی، فرهنگی آیت الله حائری تهرانی

در میان شخصیت‌های مبارز مسلمان دوره نهضت اسلامی، مرحوم آیت الله حاج شیخ مهدی حائری تهرانی به دلیل عملکرد پر دامنه خود و ارتباط با مراجع و علما، جایگاه ویژه‌ای دارد. اصالت خانوادگی، تمکن مالی و ارتباط گسترده وی با

زمان ایفا کند. این اثر بر آن است تا علل شکل‌گیری جبهه ملی در ایران را بررسی کند و نوع رابطه این جبهه با رهبران مذهبی و توده مردم را روشن سازد. نگارنده نخست مفاهیم اصلی از قبیل ملی‌گرایی، تاریخ ملی‌گرایی، نسبت اسلام و ملی‌گرایی و ملی‌گرایی در ایران و در ادامه تشکیل اولین جبهه ملی تا حوادث ۲۸ مرداد سال ۱۳۲۲ را بررسی می‌کند و سپس به اقدامات جبهه ملی پس از کودتای ۲۸ مرداد، نهضت مقاومت ملی، جبهه ملی دوم و جبهه ملی سوم می‌پردازد.

نخبگان و تحول فرهنگ سیاسی در ایران دوره قاجار



تحول در فرهنگ سیاسی به

داشت. دوران قیومیت انگلستان بر عراق بعد از فروپاشی امپراطوری عثمانی و روی کار آمدن حاکمان وابسته به استعمار به ویژه ملک فیصل و نوع رابطه و تعامل آیت الله خالصی با وی از جمله مطالب مهم کتاب است.

جبهه ملی ایران



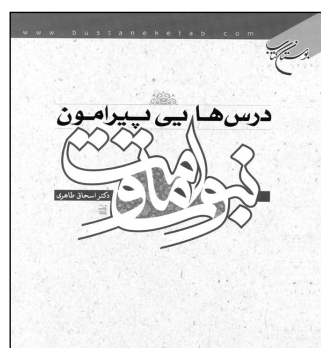
برهه‌های مختلف تاریخ ایران شاهد ظهور گروه‌های سیاسی متعدد بوده است که در فرآیند تحولات نقش مهمی داشته‌اند. همزمان با جریان ملی شدن صنعت نفت در ایران، جبهه ملی به عنوان یکی از تشکلهای سیاسی به مدد حمایت نیروهای مذهبی توانست نقش ویژه‌ای در تحولات سیاسی آن

سردار اسلام شهید آیت الله شیخ محمدمهدی خالصی



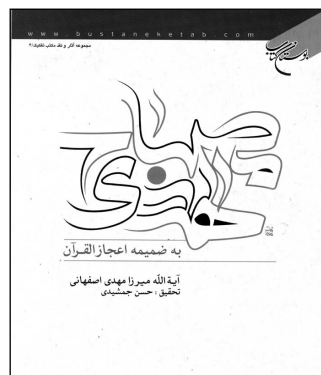
آیت الله محمدمهدی خالصی در خانواده‌ای روحانی در شهر کاظمین دیده به جهان گشود و پایه‌های علمی‌اش در مکتب پدر نهاده شد. وی سپس به نجف رفت و از محضر بزرگان آن حوزه بهره برد. مهم‌ترین واقعه زندگانی ایشان بعد از انقلاب مشروطه در ایران، آغاز جنگ جهانی اول است که مراجع شیعه اعلام جهاد دادند و آیت الله خالصی ضمن اعلام جهاد، رساله‌ای نیز برای مقابله با استعمار انگلستان نگاشت. پس از فروکنش آتش جنگ جهانی، آیت الله خالصی همواره در میدان سیاست عراق حضور فعال و موثری

معرفی کتب انتشارات بوستان کتاب



مصباح الهدی (به ضمیمه اعجاز القرآن)
نویسنده: آیت الله میرزا مهدی اصفهانی

تحقیق: حسن جمشیدی
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۴۸۰۰ تومان



اندیشه سیاسی جلال الدین دوانی

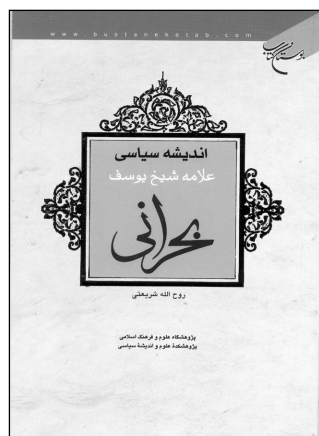
نویسنده: مرتضی یوسفی راد
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۳۸۰۰ تومان
کارکرد دین در زندگی بشر



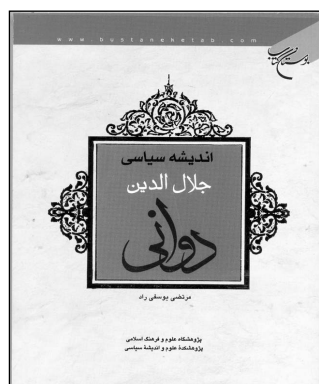
نویسنده: محمد سبحانی نیا
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۴۸۰۰ تومان
درس‌هایی پیرامون نبوت و امامت

نویسنده: دکتر اسحاق طاهری
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۴۲۰۰ تومان

یوسف بحرانی



نویسنده: روح الله شریعتی
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۲۰۰۰ تومان

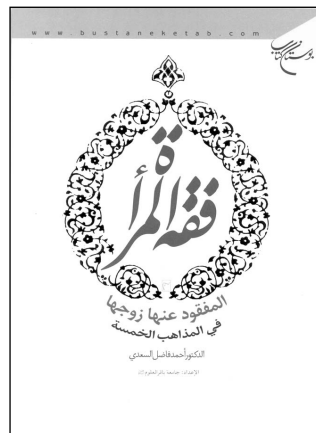


تفسیر کاشف / ج ۷

نویسنده: علامه محمد جواد مغنیه

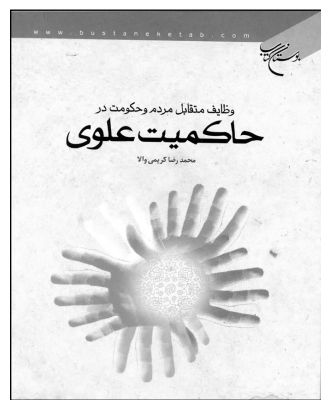
ترجمه: موسی دانش
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۱۵۰۰۰ تومان

فقه المرأة المفقود عنها زوجها فی المذاهب الخمسه

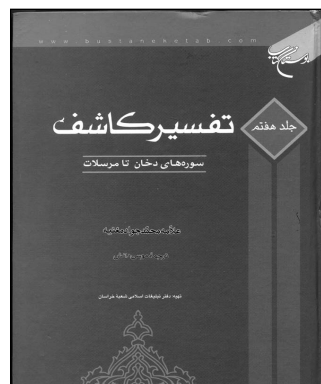


المؤلف: الدكتور أحمد فاضل السعدی
الاعداد: جامعه باقر العلوم علیه السلام
الکیمه: ۱۵۰۰
السعر: ۴۰۰۰ تومان
اندیشه سیاسی علامه شیخ

وظایف متقابل مردم و حکومت در حاکمیت علوی



نویسنده: محمدرضا کریمی والا
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۴۸۰۰ تومان





"ریگی" بازیچه غرب؛

از رفاقت با العربیه تا ارتباط مستقیم با کاخ سفید

برخی از لایه های القاعده و طالبان نگه داشته تا امکان عملیات نظامی علیه مصالح سعودی در درون و بیرون را به حداقل برسانند. از همه مهمتر، روابط بسیار عمیق و بی نظیر بین سازمان اطلاعاتی عربستان با سازمان اطلاعاتی پاکستان وجود دارد.

از همین رو بود که ریگی این جوان شرور تبدیل به مهره اول سیا و عربستان شد.

عملیات های تروریستی عمده

ریگی

به گزارش مهر، وقایع ۲۴ اسفند ۱۳۸۴ در جاده زابل به زاهدان در منطقه تاسوکی. واقعه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۵ در محور بم به کرمان در منطقه دارزین که با بستن راه خودروهای عبوری ۳۴ نفر از نیروهای ایرانی را کشته و تعدادی را زخمی کرده یا به اسارت بردند. در روز ۱۳ بهمن ۸۵ مقارن ساعت ۱۹ و ۴۵ دقیقه چند فرد مسلح چهار مأمور گشت نیروی انتظامی را که در خیابان بزرگمهر مشغول گشت زنی بودند به رگبار بستند و به قتل رساندند. در این حمله دو افسر انتظامی به نام سرهنگ خواجه و سرهنگ شبیک و سرباز وظیفه شهید شدند. و انفجار اتوبوس حامل پاسداران در بامداد ۲۵ بهمن ماه ۸۵ در زاهدان که باعث به شهادت رسیدن ۱۱ نفر و زخمی شدن ۱۸ پاسدار نیروی زمینی سپاه شد.

از جدیدترین اقدامات تروریستی گروهک ریگی، عملیات تروریستی در سیستان و بلوچستان و به شهادت رساندن سردار نورعلی شوشتری فرمانده قرارگاه شرق و معاون فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به همراه سران قبائل و طوایف این استان بود.

است. این شبکه در اقدامی بحث بر انگیز تصاویر کشته شدن مرزبانان به گروگان گرفته شده ایرانی را پخش کرد.

این شبکه همچنین در برنامه ای مفصل از نحوه زندگی ریگی و اعضای گروهک تحت امر وی گزارش تهیه و پخش کرده است. رادیو فردا نیز یکی دیگر از مجراهایی بود که ریگی با ارتباط با آن اقدام به تبلیغ خود و فعالیت گروهک تروریستی اش می کرد.

ارتباط با آمریکا

در سال گذشته میلادی شبکه ای بی.سی.نیوز آمریکا گزارشی را درباره ریگی منتشر کرد که در این گزارش منابع اطلاعاتی پاکستانی و آمریکایی به این شبکه گفتند یک گروهک قبایلی مسلح که مسئول یکسری از حملات چریکی مرگ آسا در داخل ایران است، از سال ۲۰۰۵ بطور مخفیانه از سوی مقامات آمریکایی تشویق، هدایت و راهنمایی می شود.

به گزارش ای.بی.سی نیوز، این گروهک که "جندالله" نامیده می شود از اعضای قبیله بلوچ تشکیل شده است که از استان بلوچستان پاکستان وارد مرزهای ایران شده و اقدام به انجام دادن عملیات تروریستی می کنند. گروهک مذکور مسئولیت کشتار و ربایش بیش از دوازده سرباز و مقام ایرانی را به عهده گرفته است.

این گزارش می افزاید: مقامات آمریکایی می گویند روابط این کشور با جندالله طوری پیچیده شده است که نیاز به دستور رسمی ریاست جمهور و حکم کنگره دارد. همچنین برخی مقامات اسبق سازمان سیا نیز با اشاره به چگونگی ارتباط آمریکا با گروه های تروریستی مانند گروهک ریگی می گویند: چنین آرایش هایی یادآور چگونگی استفاده دولت آمریکا از ارتش های واسط است که توسط کشورهای دیگری از جمله عربستان سعودی و با هدف بی ثبات سازی دولت نیکاراگوئه در دهه ۸۰، حمایت مالی می شدند.

به گفته برخی کارشناسان، حلقه وصل سیا درباره ایران، سازمانی جز سازمان اطلاعات و امنیت عربستان سعودی نیست و این امر سه دلیل دارد؛ نخست این که این سازمان نقشی انکار ناپذیر در ظهور القاعده و طالبان در پاکستان و افغانستان داشته است. دوم آن که این سازمان برای نابودی القاعده با سیا همکاری می کند. سوم، این سازمان همچنان ارتباط خود را با

خبر بازداشت سرکرده گروهک تروریستی جندالله در شرق ایران در حالی در رسانه ها منتشر شد که وی و گروهش در سالهای اخیر تبدیل به یکی از مهمترین مهره های آمریکا برضد ملت ایران شده بود.

"عبدالمالک ریگی" از اعضای قبیله ریگی در مصاحبه های متعدد خود با شبکه های العربیه و رادیو فردا اعلام کرد که از سن ۱۹ سالگی اسلحه بدست گرفته است. وی از همان سنین نوجوانی در پی خشونت بوده و به دلیل استفاده از چاقو یک بار نیز بازداشت و زندانی شده و پس از آزادی تصمیم به تشکیل گروهی برای اقدامات شرورانه خود گرفته است. پس از مهمترین جنایت وی که چند سال پیش با قتل عام جنایتکارانه ۲۲ تن از هموطنانمان در تاسوکی رقم خورد، آژانس های اطلاعاتی غرب و برخی کشورهای منطقه، استفاده از وی به عنوان مهره ای جدید برای تنش آفرینی و اخلال در امنیت کشور را آغاز کردند و با مانورهای تبلیغاتی و اختصاصی سعی در تصویر سازی چهره ای قدرتمند از او داشتند.

جالب اینکه ریگی در مصاحبه های خود گفته که برای تشکیل این گروه به سراغ رهبران قبایل محلی رفته، اما آنها به وی روی خوش نشان نداده اند و از همین رو وی به سراغ گروه های قاچاق مواد مخدر رفته است.

روسای گروه های قاچاق مواد مخدر هم به دلیل اینکه علاقه داشتند جبهه تازه ای در برابر نیروهای انتظامی و امنیتی به وجود آید از ریگی استقبال کردند و با در اختیار گذاشتن اسلحه و پول به حمایت از او برخاستند.

به این ترتیب ریگی گروهک خود را با ارتباط اطلاعاتی با دشمنان و تغذیه مالی از جریان قاچاق مواد مخدر پایه گذاری کرد. گروهی که پس از نخستین حمله تروریستی نام "جندالله" را بر خود گذاشت!

نزدیکان ریگی که توسط نیروهای امنیتی ایران بازداشت شده اند در اعترافات خود گفته اند که عبدالمالک خیلی دوست داشت تا در میان افراد خود به عنوان رهبری دانا شناخته شود.

مجراهای تبلیغاتی ریگی

یکی از مجاری تبلیغاتی ریگی رادیو صدای بلوچ بود که از استکهلم سوئد پخش می شود. گروه ریگی علاوه بر آن بارها از شبکه العربیه که مالک اصلی آن حاکمان عربستان سعودی هستند به عنوان بلندگوی تبلیغاتی خود استفاده کرده

آیت الله مکارم شیرازی:

تروریست ها از دستگیری ریگی درس عبرت بگیرند

آیت الله مکارم شیرازی دستگیری عبدالمالک ریگی را درس عبرتی برای دشمنان و شروران دانست.

آیت الله ناصر مکارم شیرازی ضمن تبریک فراسیدن روز نهم ربیع الاول سرآغاز امامت حضرت مهدی (عج) اظهار داشت: در آستانه این روز، مرد شرور، سفاک، بی رحم و جنایتکار کم نظیر به دام افتاد و امیدوارم که درس عبرتی برای بقیه شروران و جانیان باشد که بدانند عاقبت کار آنها کجاست.

وی با بیان اینکه این پیروزی باعث سرفرازی نظام و نیروهای مختلف کشور شده است، تصریح کرد: البته نیروهای نظامی و امنیتی باید به هوش باشند که بتوانند جلوی شرارت های دیگر را بگیرند و امنیت را برقرار کنند، زیرا در سایه امنیت است که پیشرفت و توسعه محقق می شود و اگر نعمت امنیت نباشد، کاری نمی توان انجام داد.

کاری نکنید که دشمنی ها بیشتر شود

این مرجع تقلید در بخش دیگری از سخنان خود به آغاز امامت امام زمان (عج) اشاره کرد و افزود: در روز نهم ربیع الاول نباید کارهایی انجام شود که اسباب دشمنی ها و عداوت ها باشد. ما باید در همه حال، شرایط زمان و مکان را در نظر داشته باشیم و به گونه ای عمل کنیم که شیعیان حضرت مهدی (عج) گرفتار نشوند و بهانه به دست دشمنان برای شرارت ها داده نشود. آیت الله مکارم شیرازی خاطرنشان کرد: با مشاهده شرایط کشورهایی از قبیل پاکستان، افغانستان، عراق و لبنان در میابیم که دشمنان همه جابه دنبال ایجاد نفاق و اختلاف افکنی هستند و باید مسلمانان ید واحد در مقابل دشمن باشند.

وی با بیان اینکه انتظار فرج گاهی جنبه منفی و گاهی جنبه مثبت دارد، اظهار داشت: انتظار منفی به معنای این است که ما حالت یاس به خود بگیریم. این مرجع تقلید ادامه داد: انتظار نباید طوری باشد که وقتی وضعیت بدحجابی زن ها، مفاسد اخلاقی، رباخواری، ظلم و رشوه خواری را مشاهده می کنیم بگوییم ما فقط دعا می کنیم که امام زمان (عج) ظهور کند و جامعه اصلاح شود.

برخی ها جسور شدند

آیت الله مکارم شیرازی با اشاره به تفکرات باطل برخی افراد نسبت به حکومت امام عصر (عج) یادآور شد: برخی ها جسور می شوند و می گویند که تشکیل حکومت اسلامی قبل از امام زمان (عج) اشتباه است. اینها به قدری غافل هستند که نمی دانند ظهور آن حضرت با فراهم شدن زمینه های لازم صورت می گیرد. آیت الله مکارم شیرازی با تاکید بر لزوم دوری مومنان از ارتکاب به گناه تصریح کرد: شیطان های انس و جن اول سعی می کنند ابهت گناه در بین مومنان شکسته شود و برای شکستن ابهت گناه از جاهای کوچک شروع می کنند. وی در پایان گفت: وقتی کسی در مجالس گناه شرکت کند به تدریج ابهت گناه در نزد او شکسته می شود.

امام جمعه سمنگان:

شیعه و سنی از دستگیری ریگی مفتخرند

یکی از ائمه جمعه شرق کشور با تأکید بر اینکه ریگی و جریان وابسته به او مزدبگیران استکبار جهانی بودند، تصریح کرد: این جریان به طور مشخص وحدت شیعه و سنی را نشانه رفته بود.

مولوی علیرضا یعقوبی، امام جمعه سمنگان در خراسان رضوی با تبریک دستگیری عبدالمالک ریگی به ملت ایران و به ویژه اهالی شرق کشور تأکید کرد: وقتی جامعه از وجود افراد شرور پاک می شود، زندگی برای همه طیب و مبارک خواهد شد.

وی با اشاره به اینکه باید به این واقعه به دیده افتخار نگاه کرد، اظهار داشت: سربازان گمنام امام زمان (عج) با رشادت و همت خود جامعه را از لوٹ وجود این شرور مزدور پاک کردند و از این رو جامعه اهل سنت و شیعیان، این همت مردانه را که موجب آرامش زندگی آنان خواهد شد، می ستایند.

مولوی یعقوبی با بیان اینکه این فرد شرور در استان سیستان و بلوچستان به نام اهل سنت، زندگی را بر همه اهالی منطقه تلخ کرده بود، گفت: نه شیعه و نه سنی هیچ یک به چنین افراد ظالمی ربط ندارند و هر دو جامعه مذهبی ایران، دستگیری عبدالمالک ریگی را نعمتی بزرگ و عیدی گرانبها از جانب خداوند می دانند.

وی با تأکید بر اینکه ریگی و جریان وابسته به او مزدبگیران استکبار جهانی بودند، تصریح کرد: این جریان به طور مشخص وحدت شیعه و سنی را نشانه رفته بود و از این رو، جماعت اهل سنت و شیعیان شرق کشور و سراسر ایران اسلامی از مسئولان نظام جمهوری اسلامی انتظار جدی دارند که این فرد را به سزای اعمالش رسانده و مجازات قانونی را درباره وی به صورت قاطعانه اعمال کنند.

بعث

نشریه مرکز بررسیهای اسلامی
دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

سید هادی خسروشاهی

سر دبیر:

سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائیة) نبش ممتاز

تلفکس: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

لیتوگرافی: سپهر استکر چاپ: سپهر

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com